



نوروز با طعم داستان

اکنون پنج سال است که کتاب‌های حوزه ادبیات داستانی توسط دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی مورد ارزیابی قرار می‌گیرند و هر سال نزدیک به هزار عنوان کتاب مناسب در این حوزه به مدارس کشور معرفی می‌شوند.

از این رو حال که وزارت آموزش و پرورش از مدارس خواسته است به جای تکالیف نوروزی معمول، اهتمام خود را متوجه حوزه داستان کنند و بچه‌ها را به سبوی داستان‌خوانی، داستان‌نویسی و داستان‌گویی سوق دهند، صدها کتاب مناسب داستانی در گنجینه کتاب سامان‌دهی وجود دارد که می‌تواند متناسب با سن و پایه تحصیلی دانش‌آموزان مورد بهره‌برداری قرار گیرد.



یادگیری پنهان در بستر داستان

گپ و گفتی با دکتر رضوان حکیمزاده، معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش

خانم دکتر رضوان حکیمزاده، معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش، با شور و شوق خاصی از اجرای طرح «عید و داستان» سخن می‌گوید. وی در گفت‌وگو با «رشد جوانه» تأکید دارد که دورهٔ پیک‌ها به پایان رسیده و حالا باید جای خود را به یک رشته تکالیف هدفمند، متنوع و اختیاری بدهند که به تعمیق و تثبیت یادگیری دانش‌آموزان بینجامد. دکتر حکیمزاده، توجه به آموزش مهارت‌های مغفول در بچه‌ها، حتی در طول سال تحصیلی را از اهداف بزرگ طرح جایگزین می‌داند و بر پرورش قدرت خلاقیت، مهارت بیان، ابراز وجود و رشد قوهٔ تخیل بچه‌ها تأکید دارد. با دیدگاه‌ها، نظرات و تحلیل این متولی اجرای طرح جایگزین پیک‌های نوروزی، یعنی برنامهٔ «عید و داستان»، در گفت‌وگوی صمیمانه‌ای که با ایشان انجام شده است، آشنا می‌شویم.

آن‌ها هم موظف بودند در ایام عید آن را تکمیل کنند و بعد از عید تحویل معلم خود بدهند. اما اینکه دلیل این جایگزینی چه بوده است، می‌توانم به دلایل متعددی اشاره کنم. اصولاً تکالیفی که برای دانش‌آموزان مقرر می‌شود باید با هدف تعمیق و تثبیت یادگیری باشد یا ایجاد یک رشته مهارت‌هایی که امکان تحقق آن در ساعات مدرسه کمتر فراهم می‌شود. بررسی‌های ما نشان می‌داد که پیک‌های نوروزی در رسیدن به این هدف موفق نبودند و براساس سیرری که پیک‌ها طی کردند، شاهد تولید متمرکز پیک‌ها در همه استان‌ها بودیم؛ بنابراین ما به دستورالعمل سال ۱۳۹۲ رسیدیم.

خانم دکتر حکیمزاده! انگیزه و هدف شما از جایگزین کردن طرح «عید و داستان» با پیک‌های نوروزی، که هر سال برای تعطیلات عید تهیه و توزیع می‌شد؛ چه بود؟ نخست از فرصتی که برای من فراهم شده است تا از طریق مجله ارزشمند «رشد جوانه» با مخاطبان گرامی شما سخن بگویم، بسیار تشکر می‌کنم. طرح «عید و داستان» همان‌طور که می‌دانید شامل سه فعالیت داستان‌خوانی، داستان‌گویی و داستان‌نویسی برای دورهٔ ابتدایی است که ما تصمیم گرفتیم آن را به‌عنوان یک تکالیف هدفمند جایگزین پیک‌های نوروزی کنیم که طی سال‌های گذشته به دانش‌آموزان داده می‌شد و

تکلیف دقیقه نودی!

آیا سبیری که دربارهٔ پیک‌ها مطرح می‌کنید، شامل قبل از انقلاب هم می‌شود؟

نه؛ تأکید و توجه ما به بعد از انقلاب اسلامی مربوط می‌شود. زمانی که مدرسه می‌رفتیم، به ما «رونویسی» می‌دادند و چیزی به‌عنوان پیک نوروزی وجود نداشت. پیک‌های نوروزی بعد از انقلاب وارد برنامه‌ها شد تا اینکه در سال ۱۳۹۲ مقرر شد معلمان برای دانش‌آموزان به‌جای پیک نوروزی تکالیفی را معین کنند تا در عید انجام دهند؛ اما جاهایی که معلمان ما کلاس‌های پرجمعیت و چند پایه داشتند واقعاً با چالش‌های جدی روبه‌رو بودند. یک معلم نمی‌توانست تکالیف را کاملاً بررسی کند، لذا رونویسی‌ها و تمرین‌هایی که به دانش‌آموزان داده می‌شد تأثیری نداشت. علاوه بر آن، تجربهٔ بسیاری از دانش‌آموزان آن زمان که حالا فارغ‌التحصیل شده‌اند و بسیاری از آنان هم‌اکنون اولیای دانش‌آموزان ما هستند، و یا کسانی که در سنین بالاتر هستند، نشان می‌دهد که بسیاری از دانش‌آموزان خودشان پیک‌ها را انجام نمی‌دادند بلکه خانواده‌ها در تکمیل آن‌ها مشارکت داشتند، آن هم اغلب در آخرین روز تعطیلات و ساعات پایانی و با اجبار. خلاصه پیک‌ها به یک جریان فرسایشی تنش‌زا در خانواده‌ها تبدیل شده بودند که نه به یادگیری و تسهیل و تعمیق آن کمک می‌کردند و نه به بچه‌ها فرصت می‌دادند از تعطیلات عید خود لذت ببرند و نه هدف خاصی را دنبال می‌کردند. به این خاطر، سال گذشته تصمیم گرفتیم طرح «عید و داستان» را اجرا کنیم. در این طرح از این فرصتی که دانش‌آموزان در تعطیلات دارند به نفع خودشان استفاده کردیم تا بعضی از مهارت‌ها را که به نحوی در طول سال تحصیلی از طریق برنامه درسی ما قابل یادگیری نیست، یاد بگیرند. از جملهٔ این مهارت‌ها مهارت خواندن و درک مطلب بود. همچنین نوشتن، خلاصه کردن، مستندسازی، مهارت بیان کردن، ابراز وجود، پرورش قدرت خلاقیت، پرورش تخیل و مانند این‌ها.

قالبی که ما روی آن کار کردیم بسیار منعطف بود. مثلاً اینکه بچه‌ها پای قصهٔ پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها بنشینند تا از این طریق آن ارتباط بین نسلی تقویت شود.

جدایی کودکان از قصه

نظر شما در مورد اینکه با وجود دنیای مجازی و شبکه‌های اجتماعی بی‌شمار، کتاب تقریباً از زندگی همه بیرون رفته است، چیست؟

بله، کتاب از زندگی همه بیرون رفته است و به‌خصوص از زندگی کودکان، و کودکان دیگر مثل گذشته با قصه سر و کار ندارند. مهم‌تر آنکه کودکان ما وقتی تلویزیون نگاه می‌کنند دریافت‌کنندهٔ یک‌طرفه هستند. این‌ها با توجه به اینکه آسیب‌های جدی ایجاد می‌کند، ما را بر آن داشت که سراغ این طرح برویم. بحث بیگانه شدن بچه‌ها با کتاب یک آسیب جدی است و ما با این طرح دنبال آن بودیم که بچه‌ها با کتاب آشتی کنند، با آن درگیر

شوند و قصه بخوانند.

برای اجرای طرح «عید و داستان» در مدارس، چه تمهیدات و مقدماتی را فراهم ساختید؟

براساس بررسی‌هایی که در سال‌های گذشته انجام شده بود - از جمله در سال ۹۲ دستورالعملی صادر شده بود که دیگر تولید پیک‌ها متمرکز نباشد ولی متأسفانه رعایت نشد - و با توجه به تفاوتی که مدارس داشتند، طوری که گاهی وقت‌ها بعضی از مدارس فعالیت‌هایی را برای دانش‌آموزان در نظر می‌گرفتند که خیلی بیشتر از پیک‌ها وقت بچه‌ها را می‌گرفت و فایده چندانی هم نداشت، جلسات متعددی را برگزار و داده‌هایی را از همکاران جمع‌آوری کردیم. تجربه‌های دانش‌آموزان، خانواده‌ها، و همکاران را گردآوری کردیم و بعد از بررسی مزایا و معایب شیوه‌هایی که در گذشته انجام شده بود، به این نتیجه رسیدیم که ما باید تکالیف

هدفمندی برای بچه‌ها داشته باشیم، در غیر این صورت بهتر است اصلاً تکلیفی نباشد! لذا اعلام کردیم که طرح «عید و داستان» برنامهٔ جایگزین ما خواهد بود. دستورالعمل اجرایی آن را هم تهیه کرده و همراه با بخشنامه‌ای با امضای وزیر محترم آموزش و پرورش، به استان‌ها ابلاغ کردیم و نامه‌ای هم زدیم که امسال دیگر پیک نوروزی داده نمی‌شود. پس از آن، من بلافاصله، طی جلسه‌ای، ویدئو کنفرانسی با معاونین آموزش ابتدایی استان‌های سراسر کشور داشتم و اهداف طرح را مجدداً برای آنان شرح دادم و گفتم که این طرح، شامل همهٔ مدارس دولتی و غیردولتی می‌شود و همهٔ ۷/۵ میلیون دانش‌آموز دورهٔ ابتدایی و

نواموزان دورهٔ پیش‌دبستانی مشمول این طرح خواهند شد.

خوشبختانه با اقبال عمومی که نسبت به اجرای طرح از جامعهٔ فرهنگی، جامعهٔ ادبی و دوستداران کودک و نوجوان دریافت کردیم، خیلی دلگرم شدیم. صدا و سیما هم در این زمینه خیلی خوب پیگیری کرد و برنامه‌هایی زنده در اوقات پربیننده به ما اختصاص داد تا توضیح بدهیم که این کار انجام شد.

همکاری خوب رسانه‌ها

آیا همکاری و همراهی رسانه‌ها با طرح هم خوب و قابل توجه بود؟

بله، همکاری رسانه‌ها با اجرای طرح «عید و داستان» خوب بود. در این زمینه، با کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان جلساتی داشتیم و آن‌ها از ما کاملاً حمایت کردند. کانون کتابخانه‌های بسیاری دارد که تعدادی از آن‌ها را در مراکز استان‌ها در ایام عید باز گذاشتند تا بچه‌ها بتوانند کتاب بگیرند. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز اعلام آمادگی کرد و مقداری کتاب در اختیار ما قرار داد. همچنین حمایت‌هایی را از ناشران کودک و نوجوان شاهد بودیم. خوشبختانه کسانی که به این طرح ورود پیدا

پیک‌های نوروزی به یک جریان فرسایشی و تنش‌زا در خانواده‌ها تبدیل شده بود که نه به یادگیری و تسهیل و تعمیق آن کمک می‌کردند و نه به بچه‌ها فرصت می‌دادند از تعطیلات عید خود لذت ببرند



کردند، به صورت صد در صد رایگان طرح را مورد حمایت خود قرار دادند. ما واقعاً هیچ مشکلی در زمینه تأمین کتاب نداشتیم، چون راه را باز گذاشته بودیم. بچه‌ها می‌توانستند از دوستان خود کتاب قرض بگیرند؛ از کتاب‌های منزل خود استفاده کنند؛ از کتابخانه شهرشان کتاب بگیرند و در این رابطه اطلاع‌رسانی شد. قبل از عید هم، همکاران ما با استان‌های مختلف در ارتباط بودند و نقطه نظرات آنان را می‌گرفتند. با مرکز نیروی انسانی جلسات خوبی داشتیم، تا بتوانیم از اجرای طرح گزارش‌گیری کنیم. ما همچنین سایت سامانه همگام را راه‌اندازی کردیم تا معلمان ابتدایی بتوانند گزارش کار کلاس خود را ثبت کنند. گزارش کار کلاس هم ساده بود. هر معلم تعداد و اسامی دانش‌آموزان کلاس خود را در فرمی وارد و نوع فعالیت آنان را مشخص می‌کرد. در حال حاضر، یک گزارش از دفتر ارزیابی عملکرد و رسیدگی به شکایات داریم. یک سامانه هم مشخص کرده بودیم که اگر تخلفاتی بود به ما گزارش کنند. در این مدت خبرنگاران هم بسیار پیگیر بودند. گزارش دفتر ارزیابی عملکرد نیز بازخورد خوبی بود که برای آسیب‌شناسی طرح مورد استفاده قرار می‌گیرد.

اجرای طرح را از نظر کمی و کیفی و سطح پوشش و فراگیری چگونه دیدید و در مجموع، چقدر رضایت دارید؟

البته، چون پنجم اردیبهشت آخرین مهلتی بود که همکاران باید گزارش خود را از کم و کیف اجرای طرح در سامانه وارد می‌کردند یا به‌صورت دستی به مناطق می‌دادند. ما هنوز جمع‌بندی کاملی نداریم که بتوانیم با آمار و ارقام ارائه کنیم، اما مرکز ارزیابی و عملکرد ما که به‌صورت مستقل در همه استان‌های کشور پیگیری کرده بود و

اطلاعات خود را جمع‌آوری و به ما ارائه کرد. در گزارش مرکز، ۸۶ درصد دستورالعمل ما رعایت و اجرا شده بود و در ۱۴ درصد بقیه، مواردی بود که یک مقدار با اهداف دستورالعمل ما فاصله داشت که برخی از آن‌ها مربوط به شکل اجراست. به‌عنوان مثال، ما اعلام کرده بودیم که دانش‌آموز حق دارد خودش یک فعالیت را انتخاب کند، در حالی که برخی از معلمان ما بچه‌ها را تقسیم‌بندی کرده بودند که مثلاً این دانش‌آموزان داستان بخوانند و آن تعداد داستان بنویسند. در هر حالی که ما گفته بودیم اگر ۳۰ دانش‌آموز یک کلاس هم همگی دوست داشتند یک فعالیت را انتخاب کنند، به آن‌ها اجازه بدهید این انتخاب را داشته باشند. بیشتر مشکل به این شکل بوده است. یا اینکه مثلاً گفته بودند که همه دانش‌آموزان یک نوع فعالیت را انجام دهند، در حالی که ما به هیچ‌وجه یک چنین اجباری را نداشتیم. خوشبختانه، استقبال خوبی از طرح شده است. به‌عنوان نمونه، بعد از هفته اولی که اعلام کرده بودیم بچه‌ها امسال در ایام

در این طرح، پرورش قدرت خلاقیت، مهارت بیان و ابراز وجود و رشد قوه تخیل دانش‌آموزان مورد توجه بود

بیگانه شدن بچه‌ها با کتاب یک آسیب جدی است

عید، پیک‌های نوروزی نخواهند داشت و به جای آن می‌توانند فعالیت‌های داستان‌خوانی، داستان‌گویی و داستان‌نویسی داشته باشند، سفری به جزیره ابوموسی داشتیم و در آنجا، یک دختر دانش‌آموز در گفت‌وگو با من، از حذف پیک‌ها تشکر کرد. او با خوشحالی از طرح جدید استقبال می‌کرد. برای من جالب بود که می‌دیدم چطور دانش‌آموزان در دورترین نقاط کشور، از حذف پیک‌های نوروزی و جایگزینی آن حمایت می‌کنند.

به نظر شما، آیا این استقبال و خوشحالی دانش‌آموزان به‌خاطر رفع مسئولیت از آن‌ها و فرار از انجام تکلیف و راحتی و آزادی بیشتر نبوده است؟

ببینید این، نشان می‌دهد که پیک‌ها به هر صورت، برای بچه‌ها یک تکلیف خوشایند نبوده است، وقتی من از بچه‌ها می‌پرسیدم که حالا چه تصمیمی برای تعطیلات نوروز گرفته‌اند، می‌گفتند که، مثلاً، من تصمیم گرفته‌ام قصه‌ای درباره‌ی خاطراتم از شهرم بنویسم. من واقعاً کارهای دانش‌آموزان را دیدم که چقدر متنوع بود. مثلاً یک دانش‌آموز از هر روز تعطیلات عید خود عکس گرفته بود و درباره‌ی آن توضیحی داده بود؛ که این حتی برای آینده‌اش هم می‌تواند یک مستند خیلی خوبی باشد و نشان دهد که این دانش‌آموز، در فروردین‌ماه سال ۱۳۹۷، در این سن، در کلاس پنجم دبستان، کجاها رفته و با چه کسانی بوده است. این کار شکل هنری و خلاقانه دارد. تقویت مهارت‌های نوشتن برای ما در این طرح بسیار مهم بود. ما دوست داشتیم که بچه‌ها با خط خودشان بنویسند و به‌نظر می‌رسد که حتی در زمینه پرورش خلاقیت بچه‌ها، طرح ما بیشتر از آنچه که فکر می‌کردیم موفق بوده است. جالب است که بسیاری از صاحب‌نظران ادبی و هنری نیز از طرح ما حمایت کردند و پیشنهادهای ارائه دادند.

استفاده از غیر داستان

چرا برای اجرای طرح «عید و داستان» روی کتاب‌های علمی، تاریخی و آموزشی تمرکز نشد و فقط داستان مورد تأکید قرار گرفت؟

اینکه ما فقط داستان را مطرح کردیم، به خاطر این بود که داستان یکی از بهترین قالب‌هایی است که با دوران کودکی همخوانی دارد و بیشتر مورد علاقه بچه‌هاست و جذاب‌تر است. ما اگر بخواهیم بچه‌ها با رغبت کاری را انجام دهند حتماً باید به علائق و نیازهای آنان توجه کنیم.

البته ما مشکلی نداشتیم که دانش‌آموز مثلاً یک گزارش بنویسد. فقط یک قالب خاص مطرح نبود؛ طرح منعطف بود. بچه‌ها می‌توانستند گزارش روز طبیعت را بنویسند و یا گزارش اماکن تاریخی را که بازدید می‌کنند، بنویسند.

منظور من عنوان فعالیت نبود، بلکه در مورد کتاب

بود و اینکه چرا فقط موضوع داستان در طرح مطرح است؟

در فعالیت، فقط داستان خواندن نبود، یعنی می‌توانست نوشتن هم باشد، احساسات خودشان را بنویسند و اینکه می‌پرسید چرا کتاب علمی نگذاشتید، به نظر می‌رسد در این زمینه هم آزاد بودند، چون می‌توانستند یک داستان بخوانند که علمی باشد، تاریخی باشد، سرگذشت انبیا باشد و ...

آیا امکان دارد که برای سال آینده، در اجرای طرح، تأکید شود که بچه‌ها می‌توانند سوژه‌ها و عناوین دیگری هم انتخاب و کار کنند؟

به هر حال، ما بازخوردهای نهایی را که گرفتیم و تحلیل کردیم، حتماً برای اینکه در سال آینده، به چه شکل این چالش‌ها را برطرف کنیم و این کار را ادامه بدهیم، از آن بازخوردها استفاده خواهیم کرد. این بازخوردها را هم جامعه ادبی و فرهنگی و هنری می‌توانند به ما بدهند و هم معلمان و جامعه فرهنگی و خانواده‌ها و دانش‌آموزان که ما نیز حتماً استقبال خواهیم کرد. در عین حال، نتایج تحلیل طرح که بچه‌ها کدام را بیشتر دوست داشته‌اند و در کدام بخش بیشتر کار تولید کرده‌اند، این‌ها همه مدنظر ما خواهد بود و برای سال آینده حتماً از همه این بازخوردها استفاده خواهیم کرد.

استقبال فراتر از تصور

در مجموع، آیا امسال از اجرای طرح راضی هستید؟ طرح «عید و داستان» چند درصد موفق بوده و آمارها و ارقام در حد تصور و برآورد شما بوده است؟

قطعاً! با توجه به اینکه امسال هم، سال اول اجرای طرح بود و هم ما مدت زمان کمی در اختیار داشتیم، از نتایج طرح خیلی راضی هستیم. استقبالی که صاحبان خرد و اندیشه در زمینه هنر، ادبیات و تربیت کودک از این طرح داشتند، فراتر از تصور ما بود و بسیار دلگرم شدیم. این شاید یکی از آن اقداماتی بود که کمتر کسی را منتقد آن می‌دیدید.

اگر انتقادی هم وجود داشت، بیشتر درباره این بود که در شکل اجرا چه باید کرد و کسی منکر این نمی‌شد که تکالیف پیک‌های نوروزی ناکارآمد بودند؛ کسی نگفت «عید و داستان» و داستان‌خوانی، داستان‌گویی و داستان‌نویسی مناسب شرایط دانش‌آموزان ما نیست و طرح مناسبی نیست. در عین حال، مثل هر طرح دیگر در سال اول، قطعاً چالش‌ها، کمبودها و کاستی‌هایی را همراه خود دارد، نتایج را که ان‌شاءالله نهایی کنیم حتماً به آن‌ها توجه خواهیم داشت، ولی اگر بخواهیم به‌صورت کلی نگاه کنیم، به نظر می‌رسد یکی از آن نقاط بسیار روشن و امیدبخشی است که به ما نوید می‌دهد از طریق یک رشته فعالیت‌هایی که مدنظر است، دنیای مدرسه را به سمتی ببریم که از قالب‌های مناسب دوران کودکی مثل بازی، داستان، هنر و ادبیات، حتی برای آموزش مفاهیم علمی

استفاده کنیم و قطعاً هدف ما این نیست که این کار محدود به ایام نوروز باشد. ما می‌خواهیم با نتایجی که از این طرح می‌گیریم به این سمت برویم که اوقاتی که بچه‌های ما برای تکالیف صرف می‌کنند، اوقاتی باشد که مهارت‌های مغفول آنان را حتی در طول سال تحصیلی تقویت کنیم، در عین اینکه هدفمند باشد و باعث تعمیق و تثبیت یادگیری شود. با توجه به پژوهش‌هایی که انجام شده است هر چه قدر سن کودکان کمتر باشد، انجام تکالیف «روزمره، تکراری» یا مشق شب، تأثیر کمتری در یادگیری دارد و این، ارتباط معکوس با سن دارد.

به نظر می‌رسد با اجرای طرح جایگزین «عید و داستان» و حذف پیک‌های نوروزی، صرفه‌جویی بسیار خوبی هم در هزینه‌ها صورت گرفته است. چون تهیه، تولید و توزیع پیک‌ها چرخه مالی گسترده‌ای را دربر می‌گرفت. در این ارتباط، آیا کمکی هم به آموزش و پرورش شده است؟

بله، درست است. امیدواریم ان‌شاءالله این امر تحقق یافته باشد. یکی از چالش‌های جدی که ما داشتیم، نامشخص بودن و شفاف نبودن گردش مالی پیک‌ها، به‌عنوان امری نگران‌کننده، بود. اگر بخواهیم از این زاویه به مسئله نگاه کنیم، باز به نفع همه بوده است. به هر صورت، ما این تصمیم را گرفتیم که واقعاً به کودکانمان فرصت بدهیم به‌عنوان یکی از ذی‌نفعان اصلی برای اولین بار خودشان انتخاب کنند و انتخابگر باشند.

به نظر تان تمهیدات و مقدماتی که برای اجرای طرح جدید و ابتکاری «عید و داستان» فراهم شد، کافی بوده است؟

شاید اگر ما زمان بیشتری داشتیم بهتر بود، ولی تجربه مفیدی که شخصاً در این طرح به‌دست آوردم، این بود که هر چقدر دستورالعمل‌هایی که می‌نویسیم، ساده‌تر و کوتاه‌تر باشد، ابهام کمتری ایجاد می‌کند. زیرا یکی از دلایلی که برخی از معلمان و مدیران عزیز ما، در اجرای طرح، بعضی از نکات را رعایت نکرده بودند، این بود که ما زیاد توضیح داده بودیم. بنابراین به این نتیجه رسیدم که اگر همه دستورالعمل یک صفحه بود یا در یک نیم‌صفحه، راحت می‌گفتیم که دانش‌آموزان حق انتخاب از بین سه فعالیت را دارند، هیچ قالب خاصی را هم نمی‌خواهیم در نظر بگیریم و هیچ پولی نباید رد و بدل شود. این آزادی عمل را می‌دادیم و همین کفایت می‌کرد.

ما در پی آن بودیم تا بچه‌ها با کتاب آشتی کنند، با آن درگیر شوند و قصه بخوانند

قالب داستان، قوی‌ترین و بهترین قالبی است که به کودکان نزدیک است

در طرح «عید و داستان» ما توجه ویژه‌ای به پوشش مهارت‌های مغفول بچه‌ها داشتیم

دختران داستان نویسی و پسران قصه گو

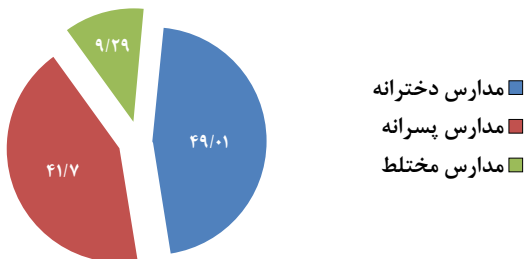
تحلیل آماری اطلاعات به دست آمده از اجرای طرح عید و داستان

در گذشته که هنوز پیک‌های نوروزی نبود، معمولاً معلمان، در ایام عید، تکالیف و رونویسی‌های متعددی به دانش‌آموزان می‌دادند. بعد از انقلاب، برای سروسامان دادن به این رویه، پیشنهاد تهیه پیک‌های متمرکز در استان‌ها و مناطق داده شد. اما در ادامه پیک‌های نوروزی با هدفی که آموزش و پرورش به دنبال آن بود، فاصله گرفت تا آنجا که در سال ۱۳۹۲ بخشنامه‌ای مبنی بر عدم تولید پیک‌ها و ارائه تکالیف توسط معلمان به استان‌ها ارسال شد. ولی از سال ۱۳۹۲ تا عید امسال بعضی از استان‌ها، مناطق و حتی مدارس کشور همچنان اقدام به تهیه پیک نوروزی می‌کردند. نکته جالب توجه از نتایج آماری به دست آمده این است که در این تحلیل دختران به داستان نویسی و پسران به قصه‌گویی تمایل بیشتری دارند.

● ۴/۴۳ درصد، داستان‌خوانی و داستان‌نویسی؛
و ۲/۲۸ درصد، هر سه مورد را انتخاب کرده بودند که این مورد انتخاب شخصی دانش‌آموزان بود، زیرا در دستورالعمل از دانش‌آموزان خواسته شده بود فقط یکی از سه فعالیت را انتخاب نمایند.
درصد شرکت‌کنندگان در طرح، براساس جنسیت به شرح ذیل است:

- مدارس دخترانه ۴۹/۰۱ درصد
- مدارس پسرانه ۴۱/۷ درصد
- مدارس مختلط ۹/۲۹ درصد

درصد مشارکت مدارس دخترانه و پسرانه



براساس جدول زیر تفاوت درصد انتخاب فعالیت‌ها در مدارس دخترانه و پسرانه مشخص شده است.



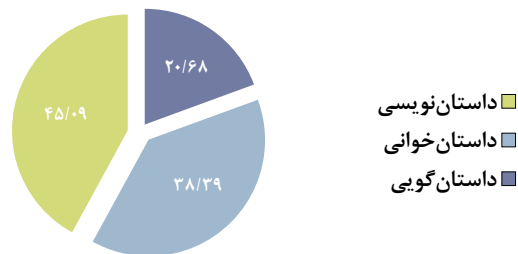
سال گذشته با دستور وزیر محترم برای جایگزینی تکالیف سنتی و بی‌حاصل در قالب مشق شب و پیک‌های نوروزی، کارگروه تکالیف ابتدایی در دفتر آموزش دبستانی، با هدف یادگیری مهارت‌محور تشکیل و به بررسی و آسیب‌شناسی شیوه‌های متعدد ارائه پیک‌ها پرداخت.

بعد از جمع‌بندی و تصمیم‌گیری برای استفاده از فرصت عید نوروز، گام آغازین در خصوص حذف تکالیف و جایگزینی فعالیت‌های یادگیری هدفمند براساس ایده‌ی وزیر محترم برداشته شد و طرح «عید و داستان» به اجرا درآمد.

براساس داده‌های جمع‌آوری شده از سوی دفتر ارزیابی عملکرد و پاسخ‌گویی به شکایات، در تحلیل نتایج ارزیابی از چگونگی اجرای مفاد بخشنامه، مشخص گردید که ۸۶ درصد مفاد بخشنامه به درستی اجرا شده و در ۱۴ درصد برخی از مفاد بخشنامه رعایت نشده است.

از آمار به دست آمده از سامانه همگام، مشخص شد که ۴۵/۰۹ درصد دانش‌آموزان مشمول این طرح فعالیت داستان‌نویسی، ۳۸/۳۹ درصد فعالیت داستان‌خوانی و ۲۰/۶۸ درصد فعالیت داستان‌گویی را انتخاب کرده بودند. البته ۴/۰۱۶ درصد از دانش‌آموزان بیش از یک فعالیت را انتخاب کرده بودند و این نشانگر آن است که دانش‌آموزان بیشتر به خلاصه کردن کتاب یا نوشتن داستان و خاطرات علاقه نشان داده‌اند.

انتخاب فعالیت



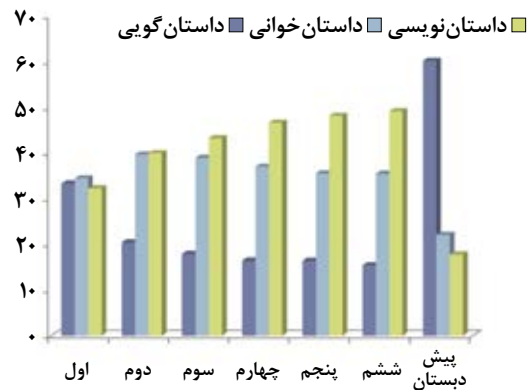
براساس آمار به دست آمده، دانش‌آموزان
● ۳/۳۲ درصد، داستان‌گویی و داستان‌خوانی؛
● ۳/۱۲ درصد، داستان‌گویی و داستان‌نویسی؛

داستان نویسی	داستان خوانی	داستان گویی	پایه
۳۲/۲۴	۳۴/۴۵	۳۲/۹۹	اول
۳۹/۹۴	۳۹/۶۶	۲۰/۴	دوم
۴۳/۲	۳۸/۹۳	۱۷/۸۷	سوم
۴۶/۶۲	۳۶/۹۷	۱۶/۴۱	چهارم
۴۸/۱۴	۳۵/۵	۱۶/۳۶	پنجم
۴۹/۱۶	۳۵/۴۵	۱۵/۳۹	ششم
۱۷/۷۸	۲۲/۰۶	۶۰/۱۶	پیش دبستان

درصد انتخاب فعالیت‌ها در مدارس		
پسرانه	دخترانه	
داستان گویی	۱۷/۵۵ درصد	۲۱/۵۷ درصد
داستان خوانی	۳۵/۹۶ درصد	۳۷/۰۷ درصد
داستان نویسی	۴۶/۴۹ درصد	۴۱/۳۶ درصد

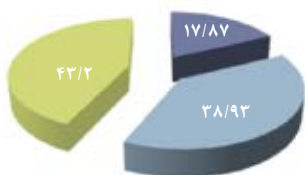
براساس این آمار، دختران به داستان نویسی و پسران به روایت داستان بیشتر علاقه نشان داده‌اند.

از آمارها و نمودار بالا نتیجه می‌گیریم که دانش‌آموزان در سنین پایین‌تر به روایت داستان بیشتر علاقه دارند؛ چنان‌که دانش‌آموزان پیش‌دبستانی ۶۰/۱۶ درصد و بعد از آن دانش‌آموزان پایه اول ۳۲/۹۹ درصد روایت کردن داستان را انتخاب کرده بودند. هرچه پایه تحصیلی بالاتر می‌رود، این میزان علاقه، جای خود را به داستان خوانی و داستان نویسی می‌دهد تا جایی که بیشترین میزان علاقه به نوشتن در پایه ششم با ۴۹/۱۶ درصد می‌رسد. در نمودارهای ذیل مقایسه‌ای بین انتخاب فعالیت‌ها در شش پایه تحصیلی دوره ابتدایی مشاهده می‌شود.

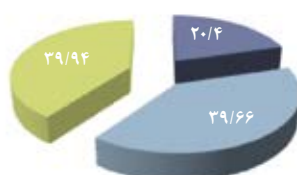


مقایسه درصد انتخاب فعالیت‌ها در پایه‌های مختلف

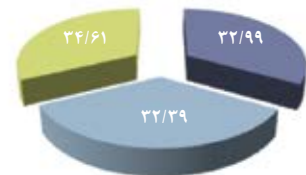
درصد انتخاب هر فعالیت در پایه سوم



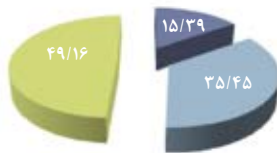
درصد انتخاب هر فعالیت در پایه دوم



درصد انتخاب هر فعالیت در پایه اول



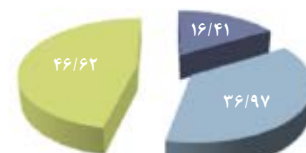
درصد انتخاب هر فعالیت در پایه ششم



درصد انتخاب هر فعالیت در پایه پنجم



درصد انتخاب هر فعالیت در پایه چهارم



داستان نویسی ■ داستان خوانی ■ داستان گویی

هابیل و قابیل، هفت‌خوان رستم یا قصه‌های قدیمی مانند مرغابی‌ها و لاک‌پشت، مرغ ماهی‌خوار، ماه پیشونی و قصه‌های معروف دیگر کشورها مانند هری پاتر، هرکول، هانسل و گریتل؛ موش و گربه، لوبیای سحرآمیز و... مشاهده می‌شود. در بخش داستان نویسی بیشترین علاقه به نوشتن سفرنامه نرورزی، نامه به رهبری، نامه به دوست و شعرهای گوناگون بوده است. جالب توجه این است که داستان‌های قدیمی مانند موش و گربه و مانند آن در هر سه فعالیت با میزان زیاد انتخاب شده‌اند.

در بررسی‌های انجام گرفته روی عناوین انتخاب شده توسط دانش‌آموزان، در بخش داستان گویی بیشترین علاقه بر تعریف خاطرات ایام تعطیلات نوروز و قصه‌های روایت شده توسط خانواده و مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌ها مشاهده می‌شود. قصه‌هایی از قبیل: شنگول و منگول، طوطی و بازرگان، موش و گربه، ننه سرما، یک کلاغ چهل کلاغ و... در بخش داستان خوانی بیشترین علاقه بر روی قصص قرآن و داستان‌های پیامبران مانند یوسف، یونس، نوح، محمد رسول‌الله،

در میزگرد معلمان دوره آموزش ابتدایی بررسی شد:

نوروز داستانی

شرکت کنندگان در این میزگرد:

- مژگان الیاس پور، آموزگار پایه اول، مدرسه آیین مهر ۱، منطقه ۱۹، سابقه: ۲۷ سال
- تیما پوراسمعیل، آموزگار پایه چهارم، مدرسه فردوس، منطقه ۴، سابقه: ۲۵ سال
- زهرا رسولی، آموزگار پایه ششم، مدرسه آرمینه مصلی نژاد، منطقه ۶، سابقه: ۲۵ سال
- شهلا رئیسی، آموزگار پایه پنجم، مدرسه شهید محلاتی، منطقه ۱۲، سابقه: ۲۵ سال
- مریم سروش، آموزگار پایه سوم مدرسه شیخ محمدخیابانی، منطقه یک

آشاره

اواخر سال ۹۶ بود که وزارت آموزش و پرورش اعلام کرد ضمن حذف انواع آزمون‌ها از دوره ابتدایی، دانش‌آموزان این دوره در ایام تعطیلات عید، فعالیت تازه‌ای را جایگزین پیک‌های نوروزی خواهند کرد و آن یکی از این سه کار بود: داستان‌نویسی و آفریدن یک نوشته از قلم و ذهن خودشان، داستان‌خوانی یعنی خواندن یک کتاب داستان و نوشتن خلاصه آن، یا شنیدن قصه‌ها و خاطره‌های بزرگ‌ترها و نوشتن آن. در این میزگرد ما اجرای طرح مذکور را با حضور پنج تن از آموزگاران باسابقه دوره ابتدایی به بحث گذاشته‌ایم. پایه‌ای که همکاران در آن مشغول به تدریس‌اند، در موافقت یا مخالفت آن‌ها اثر مهمی دارد و این نکته‌ای است که نباید هنگام خواندن دیدگاه‌ها فراموش شود.

دارند. وقتی تکلیف عید بچه‌ها را می‌گفتیم، پدر و مادرها با تعجب می‌پرسیدند: همین؟! و می‌خواستند چندتا سؤال ریاضی یا علوم را هم اضافه کنیم. ولی به نظر من این فرصت خوبی بود که سبب شد بچه‌ها هم قدری استراحت کردند، هم خوب دیدند و هم خوب شنیدند و هم دقت کردند و هم از فعالیتشان لذت بردند. من، فرصت نشد برای خانواده‌ها جلسه حضوری بگذارم، ولی نکات لازم را نوشتم و در کانال کلاس قرار دادم. بعد از عید که بچه‌ها آمدند از نتیجه کار خیلی راضی بودم. یکی از بچه‌ها درباره قورباغه‌هایی نوشته بود که در سفر دیده بود و حتی تعدادی بچه‌قورباغه برای من آورده بود! یکی دیگر از پرورش ماهی و مراحل رشد آن‌ها در حوضچه‌های پرورش

جوانه: با شنیدن خبر تصمیم تازه آموزش و پرورش برای ایام عید، به عنوان یک معلم، چه حسی در شما شکل گرفت و واکنش شاگردانتان و اولیای آن‌ها نسبت به طرح چگونه بود؟



مریم سروش: به نظر من طرح خوبی بود؛ اما موضوع زمانی به ما گفته شد که فرصت کافی برای گفت‌وگو با خانواده‌ها و توجیه آن‌ها وجود نداشت. برخی معلم‌ها و خانواده‌ها آن را پذیرفتند و برخی مقاومت نشان دادند. تصور آن‌ها این بود که بچه‌ها در ایام عید نیاز به تمرین‌های درسی نیز

ماهی نوشته بود و یکی دو نفر هم از جاهایی که رفته بودند گزارش و فیلم تهیه کرده و خودشان روی فیلم صحبت کرده بودند.

بچه‌ها آموخته‌هایشان را فراموش می‌کنند



زهرا رسولی: این کار خیلی قشنگ، بدیع و خلاقانه بود. ما همه به پیک‌ها عادت کرده بودیم: هم من معلم، هم دانش‌آموز و هم اولیا. زمانش رسیده بود که پیک‌ها - که اغلب کلیشه‌ای و حتی عذاب‌آور شده بودند و بار علمی لازم را نداشتند - کنار گذاشته شوند. امسال با

این طرح جدید به نوعی خلاقیت بچه‌ها تحریک شد؛ گرچه به همه جوانب کار توجه نشده بود. ما باید اولیا را قبلاً توجیه می‌کردیم و این کار نیاز به زمان داشت و احتمالاً در سال‌های بعد بهتر جا می‌افتد. طرح خیلی دیر اعلام شد و شاید خیلی از معلم‌ها حتی پیک‌ها را تدوین کرده و در اختیار مدرسه‌ها قرار داده بودند که منتشر کنند؛ ولی کار آن قدر جذاب بود که این اشکال را پوشاند. این کار در عین حال که یک نوع مهارت است، موجب افزایش اعتماد به نفس بچه‌ها می‌شود و به ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی کمک می‌کند. البته ناگفته نماند که ما یک کتابخانه غنی در مدرسه داریم که با استفاده از آن، کتاب‌های مورد علاقه بچه‌ها را برای خلاصه‌نویسی در اختیارشان قرار دادیم. برخی هم از خودشان قصه نوشته و حتی آن‌ها را به صورت کتاب درآورده بودند. به هر حال، این کار، مانند هر کار جدیدی، خالی از اشکال نبود. برخی از خانواده‌ها و همکاران مخالف طرح بودند. خصوصاً معلم‌ان پایه اول که گفتند: وقتی بچه‌ها بعد از عید به مدرسه آمدند شبیه دانش‌آموزان تازه‌وارد بودند و ما باید از صفر شروع می‌کردیم. نظرشان این بود که دانش‌آموز کلاس اول و دوم در این ایام، حتماً نیاز به تمرین و تکرار دارد.

منابع مناسب را به بچه‌ها معرفی کنیم



تیما پوراسمعیل: اغلب معلم‌ان خصوصاً آن‌ها که دانش‌آموزی در خانه داشتند، از این کار خوشحال شدند. گروهی از اولیا ابتدا می‌گفتند این فعالیت برای بیست روز تعطیلات عید کم است؛ اما پس از اجرای طرح، بیشتر آن‌ها هم به صف موافقان پیوستند و گفتند این طرح باعث شد بچه‌ها مطالعه کنند. گرچه ایرادهایی هم می‌گرفتند، اما در کل راضی بودند. در مجموع با توجه به نظرات، شاید اجرای طرح برای پایه‌های سوم به بعد خیلی مناسب‌تر باشد.

برخی دانش‌آموزان که به کتاب‌خوانی علاقه ندارند، ممکن است تکلیف کتاب‌خوانی را هم بیندازند گردن پدر و مادرهایشان و یا بیش‌تر به سمت قصه‌گویی و خاطره‌نویسی بروند؛ اما علاقه‌مندان به کتاب، از خواندن کتاب، خیلی راضی‌اند.

تعداد قابل توجهی از معلم‌ان و اولیا هم نظرشان این بود که اگر منابع مناسب بچه‌ها در اختیارشان گذاشته شود، بهتر است. یعنی می‌خواستند مجموعه‌ای کتاب به بچه‌ها معرفی شود که کتاب مورد

علاقه خودشان را از بین آن‌ها انتخاب کنند. وقتی به بچه‌ها منبع نمی‌دهید، می‌روند سراغ قصه «کدو قلقله‌زن» که شاید نیمی از بچه‌ها این کار را کرده بودند.

تشویق به قصه‌گویی و پای قصه‌های بزرگ‌ترها نشستن خیلی می‌تواند مفید باشد. چون خیلی از قصه‌های قدیمی ما فراموش شده‌اند. بعد از عید وقتی بچه‌ها داستان‌هایشان را آوردند، ما تمام آن‌ها را سر کلاس خواندیم. خود بچه‌ها هم نسبت به این کار علاقه نشان دادند و از آن استقبال کردند.

من خودم با اجرای این طرح خیلی موافقم؛ ما خودمان هم در سال‌های اخیر در پیک‌های نوروزی به این سمت حرکت کرده بودیم. به جای طرح سؤال، فعالیت‌هایی را برای هر درس به بچه‌ها پیشنهاد می‌دادیم و آن‌ها می‌توانستند از بین آن‌ها یکی را به دلخواه انتخاب کنند

طرح، طرح تازه‌ای نیست



شهلا رئیسی: دانش‌آموزان و حدود ۷۰-۸۰ درصد اولیا اصولاً با طرح موافق بودند. کار و فعالیت بچه‌ها کم و اولیا راحت شده بودند. فرزند خود من یک دانش‌آموز است و چون شخصاً به کتاب‌خوانی علاقه زیادی دارد اصلاً مشکلی نداشتیم. او در همین ایام عید،

بدون کوچک‌ترین یادآوری از طرف من، ۱۸ تا کتاب خواند. خودش خلاصه قصه‌ها را نوشت و خودش قصه گفت و روی سی دی ضبط کرد و تمام کارها را انجام داد. منظورم این است که خیلی راحت بودیم و تعطیلات هم بدون دردسر بود و خیلی به ما خوش گذشت.

اما معلم‌ها دو دسته بودند. طبق پرس‌وجویی که من از حدود پنجاه معلم و مدیر منطقه کردم، از هر پنج نفر، چهار نفرشان مخالف بودند. بیشتر معلم‌هایی که سابقه تدریس در دوره ابتدایی داشتند مخالف بودند. آن‌ها معتقد بودند که این طرح، طرح تازه‌ای نیست و ما هر سال آن را در قالب «نویسنده کوچک» انجام می‌دهیم. می‌گفتند ما در فعالیت‌هایی هم که هر سال در ایام عید به بچه‌ها می‌دادیم، غالباً خاطره‌نویسی

یا داستان‌نویسی و مانند این هم وجود داشت؛ با این تفاوت که در فعالیت‌های قبلی به علائق متفاوت بچه‌های مختلف نیز توجه می‌کردیم و اگر کسی مثلاً به داستان علاقه نداشت می‌توانست سراغ کتاب‌های علمی، فعالیت‌های پژوهشی یا مسائل ریاضی برود. اما در فعالیت جدید، فقط به یک جنبه از علائق بچه‌ها توجه شده بود؛ در حالی که می‌شد از آن استفاده‌های بهتری کرد. تصور اکثر ما معلم‌ها، این است که تعطیلات ایام نوروز، ایام طلایی برای جبران ضعف‌های دانش‌آموز و عقب‌ماندگی‌هایی است که در طول سال تحصیلی به هر دلیلی برای او پیش آمده است.

رئیس‌ی: در فعالیت‌های نوروزی به علائق متفاوت بچه‌ها توجه می‌شد و اگر دانش‌آموزی به داستان علاقه نداشت می‌توانست سراغ کتاب‌های علمی، فعالیت‌های پژوهشی یا مسائل ریاضی برود



تغییر همیشه دشوار است

تیما پور اسمعیل: نباید از یاد ببریم که تغییر کردن همیشه دشوار است. معلمی که بیست سال به یک شیوه تدریس عادت کرده است، دوست دارد به همان شیوه قدیم کارش را ادامه بدهد و معمولاً نمی‌خواهد تغییر کند. به عکس بچه‌ها از کار تازه استقبال می‌کنند. در سال‌های گذشته، شاید از هر کلاس، پنج نفر پیکشان را نمی‌آوردند؛ اما امسال در کلاس من، تنها سالی بود که همه تکالیفشان را انجام دادند و همه سر کلاس قصه‌هایشان را خواندند.

مریم سروش: شاید همان‌طور که همکارم گفتند، نگرانی معلمان از اینکه بچه‌ها درس‌ها و خوانده‌هایشان را فراموش کنند، مهم‌ترین علت مخالفت آنان با طرح بوده باشد. اما به نظر این‌طور نیست. تجربه امسال من نشان داد که این طرح، ضمن اینکه موجب تحریک خلاقیت بچه‌ها شد، وقتی بعد از عید شاگردانم به کلاس برگشتند، احساس کردم ریاضی‌شان

هم بهتر شده است. من امسال از سال گذشته، که خودم سؤال ریاضی هم به بچه‌ها داده بودم، راضی‌تر بودم.

شهلا رئیس: طرح نکات مثبت هم داشت. همین که بچه‌ها کار تازه و غیر تکراری انجام می‌دادند، و تعطیلات را با آسودگی خاطر گذراندند، خودش خوب بود. معلم‌ها هم از کار طراحی سؤال و تدوین پیکها آسوده بودند؛ گرچه بعد از عید، وقت زیادی را برای خواندن قصه‌ها و ثبت آثار بچه‌ها در سامانه سپری کردند.

لزوم توجه به تفاوت پایه‌ها

مژگان الیاس پور: از نظر من مهم‌ترین اشکال کار، اعلام دیرنگام طرح بود. وقتی طرح را به ما اعلام کردند، ما سردرگم بودیم و خودمان نسبت به آن توجیه نشده بودیم. مثلاً بسیاری از همکاران نمی‌دانستند که هر دانش‌آموز یکی از فعالیت‌ها را باید انجام بدهد یا



هر سه فعالیت را (و در نهایت در مدرسه، هر سه فعالیت را، برای همه پایه‌ها اجرا کردیم). یا مثلاً تفاوت داستان‌نویسی و داستان‌گویی دقیقاً در چیست؟ مثلاً وقتی قصه‌ای را خودش می‌نویسد (که از قبل

شنیده و در حافظه داشته) با قصه‌ای که از یک بزرگ‌تر می‌شنود و آن را می‌نویسد چه فرقی با هم دارند؟ خلاصه ابهام زیاد بود و منطقه هم نمی‌توانست به پرسش‌ها و خواسته‌های ما جواب بدهد؛ خصوصاً درباره دانش‌آموزان پایه اول که نمی‌توانستند کتاب بخوانند یا آن چنان قادر به نوشتن نیستند، ابهام خیلی زیادی وجود داشت.

ما علاوه بر دانش‌آموزان، فرصت کردیم خانواده‌ها را هم جمع و با آن‌ها صحبت کنیم. در آنجا، تقریباً همه خانواده‌ها با طرح مخالفت کردند؛ چون اکثر دانش‌آموزان پایه اول قادر به نوشتن داستان، خواندن یک کتاب یا حتی خلاصه کردن آن نیستند. اگر هم قادر به این کار باشند یک کتاب را حداکثر در سه سطر خلاصه می‌کنند. بنابراین اغلب کارهایی که به دست ما رسید، کار خود بچه‌ها و حتی به خط خود بچه‌ها نبود. بیشتر، مادرها درگیر کار شده بودند که البته طبیعی بود و از ابتدا هم گفته بودند که بچه‌هایشان قادر به این کار نیستند.

چیزی ممکن است برای دانش‌آموز پایه ششم خوب و مفید باشد، اما برای پایه اول نامناسب و غیر جذاب باشد و بالعکس. بنابراین در این طرح و حتی طرح «نویسنده کوچک»، دانش‌آموزان دو دوره اول و دوم باید از هم جدا شوند. بچه‌های پنجم و ششم خیلی دوست دارند بنویسند؛ اما دانش‌آموزان پایه اول، اگر علاقه هم داشته باشند، توانایی‌اش را ندارند.

جوانه: بچه‌های ششم شاید بتوانند هر سه کار را انجام دهند، اما بچه‌های پایه اول طبعاً انتخاب‌های محدودتری دارند و اگر بخواهند قصه بنویسند به احتمال فراوان باید از بزرگ‌ترها هم کمک بگیرند.

الیاس پور: یکی دیگر از اشکالات مهم، منابع مورد استفاده بود. اغلب از منابعی استفاده کرده بودند که از نظر ما استاندارد و مناسب بچه‌ها نیست. کتاب‌هایی مانند آنا-السا، سفیدبرفی، سیندرلا و مانند این‌ها را خلاصه‌نویسی کرده بودند که معلوم بود خلاصه‌ها هم کار بچه‌ها نیست. این قصه‌ها - خصوصاً وقتی به شکل کتاب منتشر می‌شوند - معمولاً به خاطر حذفیاتی که در آن‌ها صورت می‌گیرد، سر و ته هم ندارند و در خلاصه‌نویسی به یک چیزهای عجیب و غریبی تبدیل می‌شوند.

تهیه سی‌دی برای قصه‌گویی هم جزء اعتراضات اولیا بود. می‌گفتند ما در مسافر‌خانه‌ها یا هتل‌ها یا در چادرها، در ایام سفرهای نوروزی، به کامپیوتر دسترسی نداریم و خیلی کار برابمان سخت می‌شود.

پور اسمعیل: تغییر همیشه دشوار است. معلمی که بیست سال به یک شیوه تدریس عادت کرده است، دوست دارد به همان شیوه قدیم کارش را ادامه بدهد

قسمت بد ماجرا این بود که معلم می‌بایست همهٔ سی‌دی‌هایی را که بچه‌ها در آن قصه تعریف کرده بودند می‌دید و چند تا را از بین آن‌ها انتخاب می‌کرد. خود من که پنجاه تا شاگرد (در دو تا کلاس) داشتم، مجبور شدم ۵۰ تا سی‌دی ببینم و واقعا زمان بسیار زیادی از من گرفت.

اتفاق بدتری که افتاده بود، این بود که اغلب بچه‌ها در آن سی‌دی‌های تصویری، بهترین لباس خودشان را پوشیده بودند، اتاقشان را خیلی زیبا تزیین کرده بودند و بهترین عروسک‌هایشان را دورشان چیده بودند. من ابتدا می‌خواستم این سی‌دی‌ها را در کلاس برای بچه‌های دیگر هم پخش کنم. اما با پخش چند تا متوجه شدم که کار خوبی نیست و ممکن است زرق و برق‌های زندگی برخی از بچه‌ها، روی بقیه اثر خوبی نداشته باشد.

با هم فکری به پیشنهادهای بهتر می‌رسیدیم

جوانه: اینکه بچه‌ها قصه‌های منتخب دوستانشان را بشنوند فکر خوبی است، اما برای جلوگیری از آسیب‌های احتمالی که گفتید، شاید بتوان از بچه‌ها خواست در داخل کلاس قصه‌هایشان را تعریف کنند. حتی می‌توان همان‌ها را ضبط کرد و به منطقه فرستاد.

الیاس پور: البته چیزهای جالب و خوبی هم بینشان بود. مثلاً در یکی، دانش‌آموزی نشسته بود و قصه‌ای را برای خواهر کوچک‌ترش تعریف می‌کرد و مادر در گوشه‌ای از خانه، در حالتی کاملاً طبیعی و عادی آن را ضبط کرده بود.

اما مهم‌ترین نکته‌ای که اغلب همکاران را آزرده بود این بود که این کار بدون نظر خواهی از آن‌ها انجام شد. شاید اگر در دی‌ماه مثلاً از همکاران می‌پرسیدند که چه چیزی را جایگزین پیک‌ها کنیم، پیشنهادهای بهتری می‌دادند. شاید می‌توانستند پیشنهادهایی بدهند که لازم نشود اولیا درگیر آن شوند و مجبور شوند کارهای بچه‌هایشان را انجام دهند. مثلاً من چندتا بازی به بچه‌ها گفتم که آن‌ها را انجام بدهند. یکی گفتن کلمه‌هایی است که حرف اولش، حرف آخر کلمهٔ قبلی است. یکی اسم - فامیل بازی است که این بازی‌ها برای بچه‌های پایهٔ اول خیلی مناسب است. یا بازی جادهٔ اعداد که بچه‌ها خیلی دوست دارند و وقتی این بازی‌ها را انجام می‌دهند، ضمن آن که لذت می‌برند، می‌توانند تأثیر مثبت بازی را در یادگیری بچه‌ها ببینند. اگر بخواهم خلاصه کنم، هدف طرح خوب بود، اما اجرای آن اشکالات زیادی داشت.

سروش: به نظر من هم می‌شود جذابیت‌هایی را به این طرح اضافه کرد. مثلاً بچه‌ها می‌توانند دربارهٔ ضرب‌المثل‌ها پژوهش کنند؛ چون در پایهٔ سوم ضرب‌المثل‌ها را می‌خوانند. یا دربارهٔ پیام‌های قرآنی کتابشان تصویر تهیه کنند و توضیحاتی بدهند. یا بازی‌های اسم - فامیل که گفتند. ضمناً همکاران می‌توانند به خاطر نویسی، سفرنامه‌نویسی، مصاحبه و گزارش و مانند این‌ها، که در طرح هم آمده بود، توجه بیشتری نشان دهند. اما نکته‌ای که همکاران دربارهٔ جدا کردن پایه‌ها گفتند خیلی لازم است. حتی بچه‌های یک پایه ممکن است با پایهٔ بالاترشان خیلی فرق داشته باشند. من یک بار رفتم کلاس چهارم درس دادم؛ احساس کردم که خیلی با بچه‌های سوم فرق دارند. انگار خیلی بزرگ‌ترند.

جوانه: خب این فعالیت‌هایی را که می‌فرمایید در طول سال هم می‌شود انجام داد.

رسولی: شرایط عید نوروز و تعطیلات آن خیلی خاص است. بعد از عید بچه‌ها وقتی به مدرسه برمی‌گردند، خیلی متفاوت شده‌اند. چون از فضای درس فاصله می‌گیرند. خود من برخی فعالیت‌ها را در برنامهٔ بچه‌ها قرار می‌دادم که قالب درسی هم نداشت؛ مانند گزارش تصویری از سفرهٔ هفت‌سین یا گزارش تصویری از سفر.

همهٔ این فعالیت‌هایی که در طرح دنبال می‌شود فقط در حوزهٔ ادبیات فارسی است، اما می‌شود سؤال‌های علوم و ریاضی را هم به شکل سبک‌تر و جذاب‌تری به این مجموعه افزود. به طور خلاصه اگر بخواهم عرض کنم، طرح از نظر فرهنگ‌سازی خیلی خوب است؛ اما بار علمی و پژوهشی را به صفر رسانده بود.

نقش مهم و کلیدی ادبیات

جوانه: به نظر طراحان این طرح، ادبیات نسبت به بقیه پایه‌ای‌تر و مهم‌تر است.

رسولی: من خودم هم این اعتقاد را دارم. اتفاقاً موضوع پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد خود من رابطهٔ خواندن و پیشرفت تحصیلی است.

منظور من این است که به‌طور متوازن به همهٔ بپردازیم و حتی فارسی قدری هم پررنگ‌تر باشد؛ اما نه به این قیمت که با بقیهٔ دروس خداحافظی کنیم.

الیاس پور: توجه به آزمون‌های تحصیلی مختلف، باعث شده در این سال‌ها توجه به ادبیات فارسی به‌کل کنار گذاشته شود. دانش‌آموزهای ما نمی‌توانند یک نامه بنویسند. آن‌ها ۱۲ سال ادبیات فارسی می‌خوانند اما نمی‌دانند مقدمه و نتیجه‌گیری چیست. ما از کتاب و کتاب‌خوانی خیلی

فاصله گرفته‌ایم. شاید این طرح انگیزه‌ای به بچه‌ها بدهد که دو تا کتاب بخوانند. من گفتم بچه‌های پایهٔ اول با بقیه فرق دارند؛ با این حال حتی در این پایه هم فراموشی کامل درس‌ها اتفاق نمی‌افتد. گویا بچه‌ها چند روزی به خواب می‌روند که با قدری یادآوری و مرور، دوباره به کلاس برمی‌گردند. شاید این حرکت بهانه‌ای باشد که ما از این به بعد کتاب بدهیم به بچه‌ها بخوانند و بیایند سر کلاس خلاصهٔ آن را بگویند. در واقع یک جور آشتی با کتاب که البته می‌تواند با اشکالات کمتری انجام شود.

جوانه: برخی بر این باورند که کتاب‌خوانی نه تنها بر روی سواد خواندن بچه‌ها اثر مستقیم دارد، که در یادگیری درس‌هایی مانند ریاضی و علوم هم مؤثر است. یعنی خواندن کتاب‌های داستانی با تأثیر مثبتی که در گسترش ظرفیت ذهن و دایرهٔ واژگان به‌جا می‌گذارد، موجب بهتر شدن وضعیت تحصیلی دانش‌آموز می‌شود. شما این‌طور تصور نمی‌کنید؟

رسولی: این یک امر بدیهی است. من خودم سال‌ها ریاضی درس می‌دادم و می‌دیدم که بچه‌ها بلد نیستند صورت مسئله را درست بخوانند و طبعاً نمی‌توانستند مسئله را هم حل کنند. من ایمان دارم

سروش: به نظر من فرصت خوبی بود که بچه‌ها هم قدری استراحت کردند، هم خوب دیدند و خوب شنیدند و دقت کردند و هم از فعالیتشان لذت بردند

را هم داریم!

جوانه: شاید با توجه به حجم بالای کار، بد نباشد در سال‌های آینده، والدین خودشان وارد سامانه شوند و آثار بچه‌ها را ثبت کنند و معلم فقط یک گزارش کوتاه بدهد.

پوراسمعیل: بله خوب است، مانند ثبت‌نام برای خرید کتاب درسی.

الیاس پور: با توجه به برداشته‌های متفاوت همکاران از طرح، ضرورت دارد قبل از اجرای هر طرحی، چند نفر از معلمان هر منطقه را خوب توجیه کنیم تا اگر برای همکاران سؤال پیش آمد، جواب بدهند.

مجلات رشد منبع مناسب برای مطالعه

علاقه‌مند کردن بچه‌ها به کتاب و مطالعه، نیازمند تشویق از همان پایه‌های اول و دوم ابتدایی است. باید به شکل‌های مختلف آن‌ها را تشویق کرد. در برخی از مدارس که کتاب‌خانه مناسبی ندارند، می‌شود از مجلات رشد کمک گرفت. به نظر من مجلات رشد، یک مجموعه بسیار پر و پیمان است که مشخص است انرژی زیادی برای تهیه آن صرف می‌شود و می‌توان از آن برای تشویق بچه‌ها به مطالعه کمک گرفت. خود من از آن خیلی استفاده می‌کنم. اولین استفاده ما از مجله رشد کودک این است که بچه‌ها حرف‌ها و کلمه‌های تازه‌ای را که می‌خوانند در آن پیدا می‌کنند. ما قصه‌ها و شعرها را می‌خوانیم؛ بازی‌ها را انجام می‌دهیم؛ تصاویر قصه‌ها را می‌بریم و آن‌ها را به شکل تازه‌ای ترکیب می‌کنیم و قصه جدیدی می‌سازیم. خلاصه انواع استفاده‌ها را از آن در مدرسه می‌کنیم و شاید از اینکه ببرند خانه، بهتر باشد. (حالا اگر جایی باشد که تجربه‌هایمان را هم منتقل کنیم خیلی خوب می‌شود). در هر حال این مجلات، زمینه خوبی را برای مطالعه فراهم می‌آورند.

رئیس‌ی: پیشنهاد خوبی است. پسر من به خواندن مجلات رشد خیلی علاقه داشت. متأسفانه الان مدرسه پسر من مجله رشد نمی‌آورد. اما او آن قدر این مجله‌ها را دوست داشت که هنوز هم آن‌ها را در کتابخانه‌اش نگه داشته و هر از گاهی آن‌ها را ورق می‌زند و می‌خواند. او هر از گاهی کتاب‌های خوانده‌شده‌اش را با کتاب‌های جدید جایگزین می‌کند، اما این مجله‌ها را هنوز از کتابخانه برنداشته است.

سروش: شاگردان من هم خیلی مجله را دوست دارند. همین چند روز پیش که مجله آمده بود آن را با اشتیاق می‌خواندند و درباره محتوایش با هم حرف می‌زدند. مثلاً من می‌شنیدم که داشتند درباره تفاوت پلنگ‌ها و یوز پلنگ‌ها صحبت می‌کردند که آن‌ها را در مجله خوانده بودند. گاهی خلاصه داستان‌هایش را تعریف می‌کنند و گاهی می‌گویم جملات خاصی را از آن پیدا کنند.

رئیس‌ی: من به‌عنوان سخن آخر می‌خواهم خواهش کنم به معلم‌ها اعتماد کنند و اجازه بدهند معلم‌ها براساس تشخیص خودشان، تغییراتی در این طرح یا طرح‌های دیگر بدهند. ما الان در مدرسه باید ۱۶ طرح را اجرا کنیم. یعنی من معلم که ۳۸ تا شاگرد دارم، هم باید به آموزش آن‌ها برسیم، هم برای هر کدام از این ۱۶ طرح گزارش بدهم و مستندسازی کنم.

که اصل خواندن است؛ حرف من این است که صفر و یک نباشد. حالا که می‌خواهیم به ادبیات توجه ویژه نشان بدهیم، این‌طور نباشد که بقیه را فراموش کنیم. بچه‌ها نباید حس کنند یک درس مهم است و بقیه مهم نیستند. می‌شود به بقیه درس‌ها هم پرداخت؛ اما با رویکرد ادبی‌تر و کاربردی‌تر؛ در یک قالب فعالیتی و مهارتی. مخصوصاً این ۱۵ روز خیلی مهم است.

سروش: به نظر من هم اگر یادگیری به معنای واقعی محقق شده باشد، نباید این ۱۵ روز تعطیلات تأثیر زیادی در کار بگذارد. شاید با چهار پنج روز دوره کردن، به آنجایی که بودیم، برسیم.

نبود منابع مناسب برای اجرای طرح

پوراسمعیل: من اشاره کردم که یکی از اصلی‌ترین مشکلات این طرح، منابع نامناسب بود. با توجه به دیر اعلام شدن طرح، معلمان وقت کافی برای معرفی کتاب‌های خوب نداشتند. کتاب‌هایی که بچه‌ها برای خلاصه کردن انتخاب کرده بودند، مناسب سن بچه‌ها یا فرهنگ خودمان نبود یا به لحاظ ادبی ارزش زیادی نداشت. اگر ما منابع را معرفی کنیم بهتر است. منابع را معرفی کنیم و اگر نخواستند، بیرون از این دایره انتخاب کنند. کتاب‌هایی مثل باب اسفنجی یا حتی آثاری ضعیف‌تر از آن که هیچ چیزی به بچه‌ها یاد نمی‌دهند خیلی مناسب نیستند. می‌شود به بچه‌ها بگوییم از کتاب‌هایی که در انتهای کتاب‌های درسی معرفی شده است انتخاب کنند.

همین فهرستگان که شما منتشر کردید و به مدرسه ما نیامده خودش منابع خوبی معرفی کرده است.

رئیس‌ی: همکاران به نکات خوب و درستی اشاره کردند. از نظر من مهم‌ترین مشکل این بود که همکاران را نسبت به هدف طرح خوب توجیه نکرده بودند. اگر معلم و مدیر ما از هدف طرح آگاه نباشد، ممکن است آن را صحیح انجام ندهد. من چون نسبت به اثر و نقش کتاب و مطالعه توجه دارم، با بچه‌ها و پدر و مادرها صحبت کردم و گفتم که هدف این برنامه افزایش سطح سواد خواندن بچه‌هاست و هر روز، حتی شده یک ربع، برای مطالعه بچه‌هایتان وقت بگذارید که با صدای بلند کتاب بخوانند و شما گوش دهید و اگر اشکالی داشتند برطرف کنید. خلاصه، کاری کنید که بچه‌ها به مطالعه علاقه‌مند شوند. با آنکه زمان کمی در اختیار داشتیم. الحمدلله کار به خوبی انجام شد. البته چند تا بازی هم به خانواده‌ها پیشنهاد دادم که در سفر، مهمانی و دید و بازدیدها انجام بدهند تا تمرکز دیداری و شنیداری بچه‌ها قدری تقویت شود.

مشکلات اجرایی آزاردهنده‌اند

رسولی: یکی دیگر از مشکلات، کار با سامانه، ورود به آن با توجه به ترافیک خیلی بالا، و وارد کردن اطلاعات ریز بود که خودش زمان بسیار زیادی لازم داشت.

پوراسمعیل: و البته توجه داشته باشید که این تنها کار ما نبود. ما طرح‌های متعدد دیگری مانند نویسنده کوچک یا شهاب

الیاس پور: ما خیلی از کتاب و کتاب‌خوانی فاصله گرفته‌ایم. شاید این طرح انگیزه‌ای به بچه‌ها بدهد که دو تا کتاب بخوانند و بیایند سر کلاس خلاصه آن را بگویند



توسعه ذهن با کتاب‌های داستانی

گزارشی از نشست ناشران داستانی در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران

اهمیت داستان‌گویی در افزایش انگیزه و تسهیل یادگیری و به یادسپاری مفاهیم آموزشی و تربیتی همواره مورد تأکید متخصصان بوده است. دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی در سال‌های اخیر همراه با فاصله گرفتن از توجه صرف به مفاهیم پر حجم آموزشی، با توجه به نقش مهم کتاب‌های داستانی در ایجاد لذت مطالعه و تداوم آن در کودکان و نوجوانان، همکاری با پدید آوردگان و ناشران کتاب‌های داستانی را مورد توجه قرار داده است. برگزاری سی و یکمین دوره نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، بهانه‌ای شد تا نشست با عنوان «بایدها و نبایدهای تألیف و ترجمه کتاب‌های داستانی» با حضور مدیرکل و معاونت این دفتر، داوران، نویسندگان و ناشران کتاب‌های داستانی برگزار شود. آنچه می‌خوانید گزارشی از این نشست است.

از سخنان معاونت پرورشی وقت در سال ۹۲ که خواستار ورود دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی به بحث سامان‌دهی کتاب‌های داستانی شد، ما با توجه به اهمیت آن در مباحث تربیتی، همواره با شعر و داستان در مجلاتی مانند «جوانه» ارتباط داشتیم.

این مقام مسئول افزود: با مطرح شدن سامان‌دهی کتاب‌های داستانی، از ابتدا شاهد همراهی و هماهنگی ناشران ادبیات داستانی بوده‌ایم به گونه‌ای که در فضای کتاب‌های کمک‌درسی در ابتدای کار حدود ۱۸ درصد تولیدات مناسب بود در حالی که ۷۲ درصد کتاب‌های داستانی که به دست ما می‌رسد، با اهداف آموزشی هماهنگ است و اگر روند همکاری‌ها به نحو احسن ادامه یابد، به‌زودی، بالغ بر ۹۰ درصد کتاب‌های داستانی که به دست ما خواهند رسید، مناسب خواهند بود.

به گفته ناصری با مراجعه به سایت دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، والدین و دانش‌آموزان می‌توانند به راحتی کتاب‌های داستانی مناسب را، در تمامی ژانرها انتخاب کنند.

وی تصریح کرد: اگر برای هر کتاب ۱۰۰ امتیاز در نظر بگیریم، ما کتاب‌هایی را که زیر ۶۰ امتیاز کسب می‌کنند مناسب نمی‌دانیم. علاوه بر محتوای نامناسب، شلختگی زبانی، نثر به هم ریخته، عدم رعایت مسائل مربوط به کتاب‌سازی مانند تصویرسازی و اصول گرافیک از جمله دلایلی است که باعث رد شدن کتاب‌ها می‌شود. به طور مثال اولین وظیفه آموزش‌وپرورش، زبان آموزی است و اگر کتابی ابتدایی‌ترین مسائل زبان‌شناسی را زیر پا گذاشته باشد، بدون تردید از نظر ما مردود است؛ یا در حوزه ترجمه هر کسی شایستگی آن را ندارد که کتابی را در حوزه داستانی برای بچه‌ها ترجمه کند. جاری بودن نگاه فرهنگی تربیتی در کتاب‌های داستانی از مهم‌ترین نکاتی بود که ناصری بر آن تأکید کرد و گفت: ممکن است از دید شما به عنوان یک خواننده، کتابی به لحاظ فانتزی عالی باشد، ولی از نگاه ما مناسب نباشد یا درجه یک محسوب نشود؛ چون نگاه فرهنگی و تربیتی مد

۷۰ درصد داستان‌ها تأیید می‌شوند

نشست با سخنان فریبا کیا، معاون دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی آغاز شد. او در اظهاراتی گفت: حدود ۶ سال است که دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، برپایی نمایشگاه کتاب را برای خود فرصتی می‌شمارد تا ضمن برگزاری کارگاه‌ها و نشست‌های مختلف، نقطه‌نظرات ناشران و مؤلفان را، به منظور ارتباط هرچه بیشتر با آن‌ها، دریافت کند.



خانم کیا با اشاره به سابقه ۲۰ ساله سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی در این دفتر، افزود: از سال ۹۲ با توجه به نقش و تأثیر کتاب‌های داستانی در پیشبرد مأموریت اصلی آموزش‌وپرورش در تربیت دانش‌آموزان از طریق انتقال

ارزش‌های اخلاقی و کسب مهارت و توسعه ذهن، سامان‌دهی و معرفی کتاب‌های مناسب داستانی در دستور کار قرار گرفت. وی گفت: از سال ۹۲ تاکنون، بیش از ۵ هزار عنوان کتاب از سوی ۲۵۰ ناشر داستانی دریافت‌ و ارزیابی شده که حدود ۷۰ درصد آن‌ها مورد تأیید قرار گرفته است. کیا، اصلی‌ترین دلیل تشکیل این نشست را بیان ادله داوران در رد آثار و شنیدن نقطه‌نظرات ناشران در هر چه بهتر شدن آثار داستانی دانست و گفت: ۲۴ تن از ناشرانی که در این پنج سال با ما همکاری داشتند، حدود ۴۰ درصد کتاب‌های مناسب را تولید کرده‌اند که تعدادی از نمایندگان آن‌ها در این نشست حضور دارند.

دلایل رد شدن کتاب‌های داستانی



محمدناصری، مدیرکل دفتر در سخنانی با تأکید بر نزدیک بودن دغدغه ناشران آموزشی و دفتر متبوعش در استفاده از ظرفیت ادبیات داستانی برای دانش‌آموزان گفت: پیش

با گفتن این قصه، عاقبت فرار را به بچه‌ها گوشزد کند. اما این کتاب مورد تأیید واقع نشد.

یکی از کارشناسان دفتر تألیف کتاب ریاضی، با تأکید بر نقش و اهمیت داستان در مقوله آموزش گفت: دکتر «بهزاد» یکی از استادان برجسته ریاضی کتابی را با زمینه داستانی در حوزه تخصصی آموزش ریاضیات نوشته است. آیا دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی سازوکارهایی را به منظور بهره‌گیری از چنین ظرفیت‌هایی در نظر دارد یا خیر و آیا داوران خاصی به منظور داوری این گونه کتاب‌ها تربیت کرده است؟

کارشناس دیگری همین سؤال را درباره بهره‌گیری از ادبیات داستانی و تربیت نویسندگان به منظور آموزش مسائل اعتقادی برای بچه‌ها مطرح کرد.



مدیر یکی از دیگر انتشارات آموزشی که در حوزه کتاب‌های داستانی هم فعالیت دارد، خطاب به داوران کتاب‌های داستانی گفت: من فکر می‌کنم که داوران با حساسیت بیشتری کتاب‌های ناشران آموزشی را

در حوزه‌های داستانی بررسی می‌کنند. به‌عنوان نمونه در حوزه کتاب‌های ترجمه، کتابی که توسط ناشران آموزشی ارسال شده، مورد تأیید قرار نمی‌گیرد، اما همان کتاب اگر توسط ناشر دیگری برای شما ارسال شود، مورد تأیید واقع می‌شود.

وی در ادامه با سخت‌گیرانه خواندن ملاحظات دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، گفت: وجود برخی خشونت‌های کنترل شده در کتاب یا شوخی‌های مناسب با مدرسه، باعث می‌شود رغبت خواننده بیشتر شود و مقداری از هیجانات دانش‌آموزان تخلیه شود.

یکی دیگر از ناشران حاضر در نشست گفت: چنین میزبانی‌هایی باعث می‌شود کتاب‌های داستانی شبیه کتاب‌های درسی شوند. بچه‌ها نیازهای متفاوتی دارند. ما معمولاً از بالا برای بچه‌ها تصمیم می‌گیریم در حالی که باید توجه داشته باشیم داستان مقوله متفاوتی است که چنین نگاهی در آن اثرگذار نیست.



یکی از داوران حاضر در نشست در پاسخ به برخی از انتقادات مطرح شده گفت: من اخیراً کتابی را درباره آلمان پس از جنگ جهانی دوم خواندم که شخصیت پردازی و قالب داستانی فوق‌العاده قوی و پرکشش داشت. اگر

ناشر یکی از بندهای آن را که مخالف فرهنگ و اعتقادات ما بود، مورد تجدید نظر قرار می‌داد، حتماً این کتاب تأیید می‌شد. یا کتاب خوبی نوشته شده بود که در جایی از آن، به معلم توهین شده بود. متأسفانه چنین کتاب‌هایی را نمی‌توان پذیرفت.

لزوم توجه به نیازهای نسل جدید

خانم ناشری با بیان اینکه خودش فرزند ۸ ساله‌ای دارد، بر توجه داوران به سلیقه بچه‌های نسل جدید تأکید کرد و بیان داشت: برای بچه‌های امروز، خواندن یک رمان عاشقانه یا کتاب روان‌شناسی، مهم‌تر از خواندن کتابی در حوزه جنگ است که

نظر ما در آن وجود ندارد. در اینجا باید این نکته را هم اضافه کنم که شاید ۲۰ درصد از کتاب‌هایی که از نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مورد تأیید قرار گرفته‌اند، از نظر ما مورد تأیید نباشند. چون خط قرمزهای ما برای تأیید کتاب با وزارت ارشاد قدری متفاوت است. مثلاً شاید از نظر ارشاد داستان ضعیف و قوی هر دو مجوز بگیرد، اما از نظر ما آثار ضعیف قابل قبول نیستند. یا کتاب‌هایی از نظر ما قابل قبول است که ضد مدرسه یا معلم نباشد. ضمن این که ممکن است نکاتی هم از چشم آن‌ها دور مانده باشد. وی با برشمردن مصادیق مسئله‌ساز کتاب‌های داستانی حوزه ترجمه گفت: در حوزه کتاب‌های ترجمه، مهم‌ترین مشکل، انتقال شکلی از فرهنگ است که با فضای مدرسه، فرهنگ و رویکرد تربیتی ما تناسب ندارد. فحاشی، تبلیغ فرهنگ غربی، داشتن تصاویر نامناسب و متن‌های مستهجن از جمله مواردی است که بدون تردید و بلادرنگ از جانب ما رد می‌شود.

مدیرکل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی با تأکید بر اینکه ما کتاب‌ها را صرف نظر از نام نویسنده و ناشر آن مورد بررسی قرار می‌دهیم، تصریح کرد: در حوزه کتاب‌های داستانی تألیفی مهم‌ترین مسئله، رعایت نکردن ملاحظات فرهنگی است که ناشران فرهنگی و قدیمی‌تر این ملاحظات را بیش از ناشران آموزشی که به تازگی به تولید کتاب داستان رو آورده‌اند، مد نظر دارند و بیشتر رعایت می‌کنند.

وی افزود: من کتابی تألیفی را دیدم که مفاخر ادبیات کهن ایران را که مورد احترام همه ماست، به اصطلاح دست انداخته بود تا موجب خنده بچه‌ها شود! در حالی که به بهانه خندانیدن بچه‌ها نباید به مفاخر ادبیات کشور یا معلم یا دیگر مسئولان مدرسه بی‌احترامی کرد. دست انداختن یک معلم یا دیگر دست‌اندرکاران مدرسه از جمله مصادیقی است که باعث عدم تأیید کتاب‌ها می‌شود. استفاده از ادبیات شعاری هم یکی دیگر از اسباب رد شدن کارها است. به گفته ناصری، رعایت نکات دستور زبان فارسی در تألیف کتاب‌ها در کنار شخصیت‌پردازی قوی داستانی و رعایت مسائل فنی مثل وزن و قافیه در کتاب‌های شعر از جمله نکاتی است که باید در کتاب‌های تألیفی مورد توجه باشد.

نقدهای ناشران

ناشری که خود را فرهنگی‌بازنشسته معرفی کرد، با تأکید بر اینکه با مؤلفانی کار می‌کند که همگی از اهل قلم و بازنشستگان فرهنگی هستند و بر رعایت خط قرمزهای فرهنگی، ادبی و اخلاقی واقفاند، گفت: من ۱۴ جلد کتاب به دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی ارسال کردم که فقط یکی از آن‌ها تأیید شد. آن هم مجموعه شعری به زبان آذری بود. برای من جای تعجب است چرا این کتاب‌ها که از قالب شعر و داستان به‌عنوان بستر آموزشی استفاده کرده و تمامی اصول در آن‌ها رعایت شده، رد شده‌اند؟

این ناشر ادامه داد: به طور مثال، من کتابی را به دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی دادم که درباره پسر یک خان روستایی بود که سعی داشت به‌زور با دختر یکی از نوکران پدرش ازدواج کند. دختر که به او علاقه‌ای نداشت، با پسر دیگری فرار کرد و در کمتر از ۲۴ ساعت هر دوی آن‌ها کشته شدند. مؤلف کتاب می‌خواست

برای نسل ما حائز اهمیت بود. توجه نداشتن به سلیقه دانش‌آموزان باعث می‌شود وقتی آن‌ها را برای دیدن نمایشگاه کتاب می‌آوریم، دست خالی از غرفه‌ها خارج شوند.



خانمی که خود را روان‌شناس معرفی کرد، با طرح این پرسش که آیا کارشناسان شما از نیازهای بچه‌ها اطلاع دارند و آیا بچه‌ها واقعاً این کتاب‌های تأیید شده را می‌خوانند؟ گفت: متأسفانه خیلی از کتاب‌هایی که توسط شما انتخاب شده‌اند، مورد رضایت نسل نوجوان ما نیست. باید کارشناسی شود که بچه‌های ما در چه فضایی هستند و به چه کتاب‌هایی علاقه دارند. بچه‌های امروز بچه‌های دهه ۶۰ نیستند که تنها منبع اطلاعاتی شان صدا و سیما باشد. توجه داشته باشید که اگر بچه‌ها در کودکی لذت خواندن را تجربه نکنند، در بزرگسالی هم آن را تجربه نمی‌کند.

پاسخ‌های داوران

محمد علی قربانی، یکی از داوران دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی در پاسخ به برخی سؤالات مطرح شده گفت: هر اندازه هم که توصیه شود فضای مدرسه باید باز باشد، باز نمی‌توان پذیرفت که در کتاب‌های داستانی از مشروبات الکلی یا روابط آزاد دختران و پسران صحبت شود.



وی افزود: فضای مدرسه دارای حرمت‌هایی است که این حرمت‌ها باید رعایت شود. در کشور ترکیه خیلی چیزها آزاد است، اما در مساجد باید میزانی از پوشش را رعایت کرد. فضای مدرسه هم شبیه مسجد است که ملاحظات آن باید رعایت شود.

ناصر نادری، یکی دیگر از داوران هم با بیان اینکه روی آوردن به رمان‌های تألیفی ویژه کودکان و نوجوانان از سوی ناشران، پدیده قابل‌اعتنایی است، گفت: این واقعیت وجود دارد که کارهای ترجمه نسبت به کارهای



تألیفی جذاب‌تر است و بچه‌ها نسبت به کارهای ترجمه اقبال بیشتری دارند. وی ادامه داد: سوژه‌یابی، زایش ذهنی ادبی، خلاقیت و رعایت جنبه‌های زیبایی‌شناسی از مهم‌ترین مسائلی است که در کتاب‌های تألیفی به درستی رعایت نمی‌شود. کتاب‌های ترجمه به لحاظ کتاب‌سازی و رعایت نکات بصری از کتاب‌های تألیفی بسیار قوی‌تر عمل می‌کنند. نادری اظهار داشت: پدیده غلبه ترجمه بر تألیف نگران‌کننده است. درست است که ما نمی‌توانیم به واقعیات

بچه‌های امروز بی‌تفاوت باشیم، اما نمی‌توانیم نسبت به هنجارهای مدنظر هم بی‌اعتنا باشیم.

مهری ماهوتی، شاعر و یکی دیگر از داوران دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی هم گفت: در وضعیت



اقتصادی نامناسب امروز دست شما ناشران را به دلیل اینکه به سوی کتاب و نشر می‌روید، می‌بوسم. باید بگویم متأسفانه در حوزه کتاب‌های شعر نوجوان با وضعیت مناسبی روبه‌رو نیستیم. کتاب‌هایی در این حوزه تولید می‌شود که علی‌رغم حجم زیاد، کل محتوای آن‌ها در چهار خط هم نمی‌گنجد؛ گرچه در بخش کودک کارهای قشنگ‌تری ارائه و با علاقه بیشتری کار می‌شود.

وی افزود: در حوزه کتاب‌های ترجمه، سلیقه مترجم در جایگزینی لغات و تلطیف فضای کار بسیار حائز اهمیت است. مدتی قبل یک کار ترجمه ۳ جلدی را داوری می‌کردم که محتوای خوبی داشت، اما مترجم اثر آن را با ادبیات نامناسب، یعنی با همان ادبیاتی که می‌گویید بچه‌ها دوست دارند و امروزه آن‌ها را بر زبان می‌آورند، ترجمه کرده بود. من نتوانستم خودم را راضی و آن را تأیید کنم. چند روز قبل، ناشر دیگری، ترجمه دیگری از همان کتاب را برای ارزیابی فرستاد. مترجم این کتاب، آن کلمات زشت را به خوبی تلطیف کرده بود. به همین دلیل معتقدم که مترجم اوضاع را عوض می‌کند و یک مترجم خوب می‌تواند یک کتاب بد را نجات دهد.

مهری ماهوتی تأکید کرد: برخی از کتاب‌ها شاید به لحاظ مفهومی دارای سطح خیلی بالایی نباشند، اما دارای طنزی شیرین و تصویرگری مناسبی هستند که لذت خواندن را به خواننده انتقال می‌دهند.

داستان، کتاب درسی نیست

محمد ناصری، مدیرکل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی در پایان پس از شنیدن سخنان ناشران و داوران، در جمع‌بندی سخنان آن‌ها و در پاسخ به یکی از منتقدان که از شبیه شدن کتاب‌های داستانی به کتاب‌های درسی انتقاد کرده بود، ضمن تأکید بر ضرورت تعامل بیشتر دفتر انتشارات با ناشران، گفت: قرار نیست در حوزه تألیف و ترجمه کتاب‌های داستانی، ما دنباله‌رو کتاب‌های درسی باشیم. خط‌مشی ما در حوزه کتاب‌های داستانی، غنی‌سازی اوقات فراغت دانش‌آموزان است در حالی که جنس کتاب درسی آموزشی است.

وی در پاسخ به سؤال دیگری در خصوص تربیت افراد متخصص برای داوری آثار خاص مانند آموزش داستانی ریاضیات، گفت: ما در دفترمان افراد متخصصی داریم که می‌توانند در این زمینه مشارکت جدی داشته باشند. اکنون بیشتر افراد اهل قلم به دلیل همکاری با ما در تألیف مجلات رشد و به واسطه کارگاه‌های قصه‌نویسی که برگزار می‌شود با ما ارتباط دارند. دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی به فضای قصه ورود زیادی دارد و ما به ناشران آموزشی هم که به‌تازگی وارد این فضا شده‌اند خوش‌آمد می‌گوییم.

ناصری در پاسخ به نقد دیگری که گفته شد، داوران آموزشی سخت‌گیری بیشتری را در بررسی کتاب‌های داستانی ناشران آموزشی اعمال می‌کنند، گفت: ما کتاب‌ها را صرف‌نظر از اینکه ناشر آن برچسب آموزشی دارد یا خیر، بررسی می‌کنیم. ما باید همواره ضمن رصد کردن فضای داستان‌نویسی، توجه داشته باشیم که ایرادات کار، که باعث ریزش مخاطب می‌شود، کجاست و با رفع آن‌ها هر چه بیشتر به تولید داستان‌های جذاب‌تر اقدام کنیم.



ادبیات داستانی بستری برای انعکاس تجربه‌ها

پای صحبت حمیدرضا شاه‌آبادی، مدیر عامل انتشارات مدرسه برهان

شاره

«داستان‌خوانی، قوه‌ی تخیل بچه‌ها را پرورش می‌دهد؛ قوه‌ی تخیل می‌تواند پایه و اساس همه‌ی فعالیت‌های درسی بچه‌ها باشد. ما می‌توانیم از پرورش قوه‌ی تخیل کودکان بیشترین استفاده را بکنیم. ادبیات داستانی و خواندن داستان؛ بستری برای انتقال تجربه‌های زندگی و بهترین راه برای مواجه شدن فرزندانمان با واقعیت‌های زندگی است. از این رو، جایگزین کردن پیک‌های نوروزی دانش‌آموزان با طرح «عید و داستان»، که امسال در نوروز اجرا شد، کار مفید و خجسته‌ای است که اگر ادامه یابد و به مرور به تکلیف درسی تازه‌ای تبدیل نشود و با آموزش‌های لازم و بسترسازی مناسب هم اجرا شود بسیار ارزشمند خواهد بود.»

نوروز ۱۳۹۷ جایگزین پیک‌های نوروزی دانش‌آموزان شد، چگونه می‌بینید؟ ویژگی‌ها و نکات مثبت و همچنین مشکلات و آسیب‌های احتمالی اجرای آن را چه می‌دانید؟ من قطعاً این تصمیم را یک اتفاق خجسته می‌دانم. احساس می‌کنم شرایطی فراهم شده است برای اینکه ما بتوانیم رفتار صحیح‌تری را جایگزین آنچه که تا به امروز در ایام عید نوروز رخ می‌داده است، بکنیم. سال گذشته، سال تولد این طرح بود. این اتفاق کمی نبود و باید آن را به فال نیک گرفت و فرصت داد تا شکل مناسبی بگیرد. اگر معتقدیم مطابق مفاد سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، داعیه‌دار پرورش فکری و روحی فرزندان خود هستیم و اگر اعتقاد داریم که صرفاً آموزش و ارائه

عبارات و جملات بالا، شاه‌بیت مطالب و محورهای اصلی سخنان و دیدگاه‌های آقای حمیدرضا شاه‌آبادی، اولاً به‌عنوان یک نویسنده و ثانیاً به‌عنوان مدیر عامل انتشارات مدرسه است که در گفت‌وگو با «رشد جوانه» عنوان کرد.

وی در این گفت‌وگو، ضمن بیان نظرات، مواضع و تحلیل خود از برنامه حذف پیک‌های نوروزی و جایگزینی آن با طرح «عید و داستان»، از جزئیات طرحی که به معاونت آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش نیز ارائه کرده است، سخن گفت. شما را به مطالعه متن کامل گفت‌وگو دعوت می‌کنیم.

◀ شما از نظر محتوایی، طرح «عید و داستان» را که در

یک رشته اطلاعات و مفاهیم هدف آموزش و پرورش نیست، بهره‌گیری از کتاب برای انتقال مفاهیم و پیام‌های فکری و پرورشی و افزایش مهارت‌های روحی و توانایی‌های دانش‌آموزان، بسیار مهم است و در تعطیلات عید نوروز می‌توانیم به شکل غیررسمی، به پرورش روحی فرزندانمان پردازیم.

شما بهتر می‌دانید که به هر صورت در مدارس ما، ساعات درسی فشرده هستند و محتوای درسی هم گاهی اوقات با حجم زیادی که دارند امکان فعالیت‌های خاصی را که در حوزه آموزش غیررسمی قرار می‌گیرند، از دانش‌آموز سلب می‌کنند. ایام تعطیلات نوروز و در واقع ۱۵ روز اول فروردین ماه، فرصت خوبی است برای اینکه ما بتوانیم فعالیت‌های غیررسمی آموزشی را شکل بدهیم و برنامه‌هایی را طراحی کنیم که در حوزه پرورش افکار دانش‌آموزان است و می‌تواند توانایی‌ها و مهارت‌های ذهنی آنان را افزایش دهد. بنابراین، حذف پیک‌های نوروزی که به نوعی، همان آموزش رسمی را انعکاس می‌دادند، و جایگزین کردن آن با موضوع خوبی مثل داستان‌خوانی و داستان‌نویسی به نظرم اتفاق بسیار خجسته‌ای است که باید به فال نیک گرفت و از آن حداکثر استفاده را کرد.

◀ **به نظر شما، آیا نباید برای اجرای این طرح، ابتدا بستر و زمینه آن در مدارس و در ارتباط با دروس مرتبط مانند فارسی فراهم می‌شد؟**

صد درصد؛ این نیاز بود و هست. گمان می‌کنم ایده زمانی می‌تواند موفق باشد که حداقل ما از مدتی پیش در مدرسه، برای آن زمینه‌سازی کرده و با برگزاری برنامه‌های خاصی، توجه بچه‌ها را به آن جلب کرده باشیم، سپس رفتارهای منتج از آن را در تعطیلات عید انتظار بکشیم. در تعطیلات عید، بچه‌ها به سفر می‌روند، به خانه اقوام می‌روند، به دید و بازدید آشنایان می‌روند، و برایشان این امکان فراهم می‌شود که بتوانند شهر خود و شهرهای دیگر را بهتر ببینند که همه این‌ها در یک جمله، موجب تجربه‌اندوزی آنان می‌شود. همچنین اگر بپذیریم که ادبیات داستانی بستری است برای انعکاس تجربه‌ها، گمان می‌کنم بهترین رفتار در تعطیلات نوروز توجه دادن بچه‌ها به داستان‌نویسی و داستان‌خوانی است.

◀ **به نظر شما، از نظر کیفی چه مشکلات، عوارض و آسیب‌هایی می‌تواند اجرای موفق طرح را تهدید کند؟**

نخستین آفتی که بر سر راه اجرای این طرح وجود دارد، تبدیل شدن فعالیت‌های مرتبط با طرح به یک تکلیف درسی یا مدرسه‌ای اجباری است. اگر چنین اتفاقی بیفتد، نه تنها تأثیر مثبتی نخواهد داشت، بلکه تأثیرات منفی هم به دنبال دارد که از آن جمله، دلزده کردن بچه‌ها از مفهوم مطالعه و رویگردان شدن از کتاب است، بنابراین به هیچ وجه نباید آن را به تکلیف درسی تبدیل کرد. علاوه بر آن، آفت دیگری که بر سر راه طرح وجود دارد این است که در هر صورت قرار است بچه‌ها کتاب

بخوانند، کتاب تهیه کنند و احیاناً کتاب بخرند؛ در این میان اگر شرایطی فراهم شود که عده‌ای با توجه به منافع شخصی وارد بشوند و امتیازهایی را برای خودشان و دیگران آماده کنند و از این طریق کتاب‌های نامناسبی را به بچه‌ها برسانند، باز آفتی خواهد بود. در این صورت صرفاً کتاب‌هایی به بچه‌ها فروخته خواهد شد که به انحای مختلف، ارزش و کیفیت لازم را ندارد و فقط منفعت و سودی را برای برخی از ناشران همراه می‌آورد. به هر حال، این اتفاق خوبی نخواهد بود. مشکل دیگر این است که این فعالیت، بدون آگاهی، آموزش و زمینه‌سازی مناسب صورت گیرد. یعنی ما می‌توانیم در اولین نگاه، فرض را بر این بگذاریم که معلم کتابی را به بچه‌ها معرفی کند و بگوید این کتاب را بخوانید و خلاصه‌نویسی کنید و یا مثلاً درباره‌اش چند سطر بنویسید. ممکن است این تبدیل بشود به یک فعالیت شاق و در ردیف تکالیف درسی قرار گیرد. بنابراین، توجه ویژه به آموزش‌ها و توجهات لازم قبل از اجرای طرح لازم است؛ اعم از آموزش معلمان و مربیان برای اجرای طرح، انگیزه بخشیدن به بچه‌ها برای مشارکت در طرح، و از همه مهم‌تر، تعریف کردن فرایند

مناسبی که در آن بشود کتاب‌های مناسبی را برای بچه‌ها به شکل درست معرفی کرد و در اختیارشان قرار داد. آن موقع می‌توانیم امیدوار باشیم که طرح، بازده لازم را داشته باشد.

طرح مکمل

◀ **شما قبل از اجرای طرح، در نامه‌ای به خانم دکتر حکیم‌زاده معاون آموزش ابتدایی، پیشنهاد داده بودید که با توجه به تجربیات خود، در این طرح، در زمینه**

معرفی کتاب‌های مناسب، کمک و همکاری داشته باشید؛ برخورد و استقبال با برنامه پیشنهادی شما چگونه بود؟

ما طرحی را آماده کردیم، که شامل فرایندی بود که بچه‌ها کتابی را می‌خوانند، و بعد در دو سه خط می‌نوشتند که من کتاب فلان را خواندم، اسم نویسنده‌اش این است. شناسنامه کتاب این است، تصویر گرش فلان کس است؛ و اینکه من از این کتاب خوشم آمد یا بدم آمد. و در آن برگه، علامت می‌زدند و بعد می‌نوشتند که بعد از خواندن این قصه، من هم تصمیم گرفتم یک قصه بنویسم و در یک صفحه کوچک قصه کوتاهی را می‌نوشتند. بنابراین بود که در اولین روز بعد از تعطیلات، بچه‌ها برگه‌هایی که نوشته بودند را به کلاس بیاورند و با یکدیگر ردوبدل کنند. یعنی هر دانش‌آموزی برگه دانش‌آموز کناری خود را بگیرد و قصه همدیگر می‌خوانند و مجدداً در چند سطر توضیح می‌دادند که من قصه دوستم را خواندم، از این قصه خوشم آمد، یا بدم آمد، چون نقد چندخطی خود را در آن برگه می‌نوشتند. به این ترتیب، بچه‌ها یک داستان و یک کتاب می‌خوانند، یک قصه می‌نوشتند، یک کتاب نقد می‌کردند و یک

**حذف پیک‌های نوروزی،
اتفاق خجسته‌ای است
که باید از آن حداکثر
استفاده را کرد**

**ادبیات داستانی،
بستری برای انعکاس
تجربه‌هاست**

نقد داستان درباره کار دوستشان را ارائه می‌کردند. این فرایند، کلاً در چهار صفحه و در واقع چهار نیم‌برگ A4 جا می‌شد. ما این طرح را خدمت خانم دکتر حکیم‌زاده فرستادیم. ایشان مطالعه کردند و از ما دعوت کردند که حضوری هم توضیح دادیم. از موضوع استقبال کردند ولی گفتند با توجه به فرصت اندکی که تا پایان سال مانده امکان دارد نتوانیم این طرح را برای نوروز ۹۷ اجرا کنیم. به این خاطر قرار شد که سال آینده، با هم‌آهنگی‌های قبلی، زمینه‌های اجرایی آن را فراهم سازیم. من با توجه به این که هم‌اکنون نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در حال برگزاری است، جا دارد به این نکته هم اشاره کنم که طی دو روز گذشته، با آقای نیک‌نام حسینی مسئول خانه کتاب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز گفت‌وگویی داشتیم، و ایشان هم از طرح ما استقبال کردند و قرار شد که یک جلسه ویژه با یکدیگر در رابطه با این موضوع داشته باشیم و بیشتر صحبت کنیم. شاید در سال ۹۷، به لطف خدا، این امکان فراهم شود که پروژه با همکاری آموزش و پرورش، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و خانه کتاب قابل اجرا باشد.

تبدیل شدن فعالیت‌های مرتبط با طرح به یک تکلیف درس، یک آفت است

طرح جایگزین پیک‌های نوروزی را به هیچ وجه نباید به تکلیف درسی تازه‌ای تبدیل کرد

تفاوت‌های ماهوی

آقای شاه‌آبادی! به نظر شما، کتاب مناسب چه نوع کتابی است؟ به خصوص برای دوره سنی بچه‌های دبستانی، و به‌ویژه در عرصه قصه و داستان شما

چه کتاب‌هایی را مناسب می‌دانید؟

نخستین ویژگی کتاب مناسب برای کودکان این است که ناظر بر تفاوت‌های ماهوی کودکان با بزرگسالان باشد. بعضی اوقات ما فکر می‌کنیم که کودکان همان بزرگسال‌های رشدنیافته‌اند؛ یعنی تفاوتشان با بزرگسالان صرفاً در اندازه و کمیت است. اگر این‌طور فکر کنیم معلوم است که خواهیم گفت هر کتابی که برای بزرگسالان مناسب است اگر خلاصه شده و کوتاه شود، برای بچه‌ها هم مناسب خواهد بود. بسیاری از کتاب‌هایی که امروز برای بچه‌ها منتشر می‌شوند، از جمله کتاب‌های بازنویسی متون کهن، بر این اساس تولید و منتشر می‌شوند. بنابراین، باید اول کتاب به علائق و سلیق و درک و نوع نگاه جهان‌شناختی کودکان توجه داشته باشد. اگر چنین باشد می‌توانیم بگوییم که کتاب گامی به طرف بچه‌ها برداشته و به آن‌ها نزدیک شده است. بعد از آن، رعایت اصول فنی داستان‌نویسی، و رعایت اصول ژانر است.

این نکات که شما مطرح می‌کنید یک سؤال را به ذهن می‌آورد که مگر نباید ما با قصه و داستان و ادبیات بچه‌ها را رشد بدهیم و آن‌ها را به جلو ببریم، نه اینکه آن‌ها را در همان دنیای کوچک کودکانه‌شان نگاه داریم؟

ما باید با زبان خودشان و با دنیای خودشان با آن‌ها ارتباط برقرار کنیم. بحث، نگاه داشتن آنان در یک دوره نیست. بحث، در واقع، ورود به دنیای آنان است؛ دنیایی که دنیای آن‌هاست و ما باید بشناسیم. استفاده از تصاویر مناسب، تصاویری که ارزش هنری داشته باشند و در عین حال، به بچه‌ها، زبان تصویر را آموزش بدهند. امکان تصویرخوانی را برای آنان فراهم کنند و بعد از آن، می‌رسیم به نکاتی مثل کاغذ، مقوا و نوع صحافی که باید خوب و مناسب باشد.

سه فعالیت خوب

با توجه به تجربیات خود و شرایط سنی کودکان، از سه فعالیت داستان‌خوانی، داستان‌گویی و داستان‌نویسی، کدام‌یک را مفیدتر، عملی‌تر و خلاق‌تر می‌دانید؟

هر سه خوب هستند؛ هر سه در واقع، در کنار همدیگر می‌توانند قرار بگیرند. من اجازه می‌خواهم به آن‌ها نقد داستان را هم اضافه کنم و آن‌ها را به چهار فعالیت افزایش دهم. منظورم از نقد کتاب، نقد فنی، آکادمیک و حرفه‌ای نیست؛ بلکه نظرم این است که بچه‌ها بتوانند نظر خود را درباره داستانی که خوانده‌اند بدهند؛ حرف بزنند و آن را تحلیل کنند. نقد به‌عنوان فرایندی برای فهم بهتر اثر مدنظر ماست. اگر این اتفاق بیفتد، بسیار خوب خواهد بود. رجوع به داستان و داستان‌خوانی، قوه تخیل بچه‌ها را پرورش می‌دهد و قوه تخیل می‌تواند پایه و اساس همه فعالیت‌های درسی باشد. نقل می‌کنند که کسی نزد اینشتین آمد و از او خواست به او بگوید برای اینکه بچه‌اش موفق شود، چه بکند. اینشتین به وی گفت که برای بچه‌ها داستان‌های پریان را بخوان. او گفت که من این کار را می‌کنم، بعد از آن چه کاری بکنم؟ باز گفت داستان‌های پریان را برایش بخوان. دوباره پرسید بعد از آن چکار کنم، اینشتین باز جواب داد داستان پریان را برایش بخوان! این روایت نشان می‌دهد که ما باید بتوانیم از بحث پرورش تخیل کودکان بیشترین استفاده را بکنیم. گمان می‌کنم اگر بپذیریم ادبیات داستانی محملی برای انتقال تجربه و زندگی است، بهترین راه برای مواجهه فرزندانمان با واقعیت‌های زندگی، خواندن داستان و آفرینش داستان است.

آثار مثبت کتابخوانی

شما آثار مثبت و مفید کتابخوانی برای دانش‌آموزان دوره ابتدایی را چه می‌دانید؟

در دوره ابتدایی، کودکان اولین مواجهه‌های خود با زندگی را تجربه می‌کنند. برای فهم دنیا تلاش می‌کنند. این فهم را به شیوه‌های مختلفی می‌توانند به دست بیاورند و غیرقابل انکار است که این فهم می‌تواند تا سال‌ها همراه آن‌ها باشد و چه‌بسا تا پایان عمر هیچ تغییری نکند. بنابراین، شکل دادن به این مواجهه‌های اولیه بسیار مهم است. اینکه ما بچه‌ها را از چه طریقی با دنیا آشنا می‌کنیم و این آشنایی اولیه از آن‌ها چطور آدم‌هایی خواهد ساخت؛ آیا آن‌ها دنیا را مجموعه‌ای سرد، بی‌روح

دارند و امکان دیدن همه چیز از بالا را دارند انسان‌های صورت‌تر و بزرگوارتری می‌شوند و امکان ایستادگی بیشتری در مقابل مشکلات دارند و به همین ترتیب، می‌توان جلو رفت و دید که چه ویژگی‌ها و امتیازات خاصی با مطالعه، نصیب کودکانمان می‌شود.

طرح «عید و داستان»

نباید بدون آگاهی

مناسب، آموزش لازم و

زمینه‌سازی انجام شود

با مسئول خانه کتاب

وزارت ارشاد هم در

زمینه طرح خود صحبت

کردیم که از آن استقبال

کردند

◀ به‌عنوان آخرین سؤال، نقش ناشران در اجرای خوب و قوی طرح «عید و داستان» به جای پیک‌های نروزی، چه می‌تواند باشد؟

اگر ناشران، اجرای چنین طرحی را صرفاً زمینه‌ای برای کسب سود و منفعت مالی ببینند و با این هدف جلو بروند قطعاً موفق نخواهند بود. آن‌ها در شرایطی می‌توانند موفق باشند که به اجرای بهتر طرح و

مشارکت در ارائه یک ایده مناسب، عمیق و تأثیرگذار فکر کنند و نگاه سوداگرانه نداشته باشند. اگر چنین رفتاری داشته باشند قطعاً می‌توانند در این زمینه موفق باشند.

و در واقع، خالی از هر نوع معنوی می‌بینند و اینکه افراد فقط باید دنبال منافع شخصی باشند و برای رسیدن به این منافع شخصی دست به هر عملی بزنند یا اینکه نه، دنیا را به مراتب متفاوت‌تر، بزرگ‌تر و عمیق‌تر می‌بینند. دنیایی می‌بینند که در آن معنویت می‌تواند جایگاه ویژه‌ای داشته باشد و در این جایگاه معنوی، اصول ارزشی به گونه‌ای شکل می‌گیرد که از فرزندان ما انسان‌های پاک‌تر و سالم‌تری می‌سازد؛ آدم‌هایی می‌سازد که در واقع، در زمین، به شکل عادلانه‌تری رفتار می‌کنند و دست به فساد نمی‌زنند. این خیلی مهم است که ما چطور بچه‌ها را در اولین مواجهه‌هایشان با زندگی شکل می‌دهیم. قطعاً در چنین شرایطی، کتاب خیلی می‌تواند مؤثر باشد و تصویر اولیه زندگی را به بچه‌های ما بدهد. علاوه بر این کتاب کمک می‌کند که آن‌ها مهارت‌های مختلفی را به‌دست بیاورند. به‌عنوان مثال، بچه‌هایی که کتاب می‌خوانند خیلی بهتر حرف می‌زنند؛ خیلی بهتر امکان بیان اندیشه‌های خود را پیدا می‌کنند؛ گنجینه لغات عمیق‌تری را پیدا می‌کنند، می‌توانند درباره موضوعات مختلف بحث کنند و هر حرفی را به راحتی نمی‌پذیرند و ذهن استدلالی پیدا می‌کنند. این‌ها به دلیل فهم بیشتر و بهتری که از دنیا



دوستان ناباب!

کتاب‌هایی که باید از برنامه مطالعه کودکان حذف شوند

شاره

می‌دانم شما مقاله‌ها و مصاحبه‌های بسیاری را در باب توصیه به کتاب خواندن خوانده‌اید یا حتی نوشته‌اید. چه کسی در اینکه کتاب خواندن از ما آدم بهتری می‌سازد شک دارد؟ اما راستش را بخواهید، بعضی کتاب‌ها همیشه هم یاران مهربان بی‌آزار نیستند. آن‌ها همان قدر که می‌توانند دانای خوش‌زبان باشند و پند فراوان دهند، می‌توانند مروجان بی‌رحم خشونت و جهالت هم باشند!

قرن ما شاهد پدید آمدن گروه‌هایی افراطی است که وحشیگری‌های شان پشتوانه‌ای از کتاب‌هایی دارد که برای بی‌رحمی و ستم استدلال‌های به‌ظاهر فلسفی می‌سازند و آن‌ها را در دنیای امروز ترویج و توصیه می‌کنند. این مختصر درباره کتاب‌هایی است که ممکن است اثرات مخرب و ماندگار بر روان کودکان بگذارند.

مقدمه

در این سال‌ها، به رغم کم شدن شمارگان کتاب‌ها، هر روز با عنوان‌های متعددی از کتاب‌های تازه از چاپ درآمده روبه‌رو هستیم. برخی ناشران، برای ادامه زندگی حرفه‌ای خود به جای تجدید چاپ کتاب‌های خوب، مجبور به چاپ کتاب‌های تازه هستند (زیرا دایره مخاطبان و خریداران حرفه‌ای و همیشگی کتاب کمتر شده و ناشر برای نگاهداشتن مخاطبان خود مجبور به چاپ کتاب‌های تازه است) و همین موضوع راه نویسندگان ضعیف‌تر و کتاب‌سازهای تقلبی را هم به بازار کتاب باز کرده است. بنابراین، تعداد کتاب‌های بد به نسبت گذشته بیشتر شده است. این موضوع در مورد کتاب‌های کودک و نوجوان معضل پیچیده‌تری است، زیرا تعدادی از مردم، حتی اگر خودشان کتاب نخوانند، برای کودکانشان کتاب می‌خرند. آن‌ها به هر حال کتاب خواندن را فضیلت می‌دانند و به مفید بودنش باور دارند؛ درست مثل اینکه اغلب دوست دارند فرزندانشان درسخوان و راستگو باشند، حتی اگر خودشان چنین نیستند. همین امر بازار کتاب‌های کودک و نوجوان را پررونق‌تر از سایر بخش‌های نشر کرده است. گواه این ادعا، بیشتر بودن شمارگان کتاب‌های کودک نسبت به کتاب‌های بزرگسال است. این موضوع، علاوه بر نیاز به تعدد عنوان‌های تازه، باعث شده بخش کودک و نوجوان در بازار نشر پرسودتر باشد که بالطبع کتاب‌سازی و سوءاستفاده از راه چاپ کتاب‌های بی‌کیفیت در آن هم بیشتر است. در این متن تلاش می‌کنیم برخی از کتاب‌هایی را که باید از برنامه مطالعه کودکان کنار گذاشته شوند، تا حد امکان، دسته‌بندی و معرفی کنیم.

خسته‌کننده و کسالت‌آور

خطرناک‌ترین کتاب‌ها به ظاهر بی‌آزارترین یا بی‌خاصیت‌ترین آن‌ها هستند! چرا؟ چون اگر پیامد اولین مواجهه‌های کودک با

کتاب، به جای ایجاد احساس لذت و سرگرمی، خستگی و کسالت باشد می‌توانید مطمئن باشید که کودک دیگر به میل خود به سراغ کتاب نخواهد رفت و ممکن است واقعاً برای همیشه بخت داشتن راهنمای خوبی مثل کتاب را از دست بدهد. بچه‌ها را، دست کم در اوایل کار، از کتاب‌هایی که صرفاً جنبه آموزشی دارند و یا داستان‌هایی که کند و خسته‌کننده‌اند دور نگه دارید. وادار کردن کودک به خواندن کتاب‌های خسته‌کننده‌ای که شما آن‌ها را فقط به‌خاطر مفیدبودن انتخاب کرده‌اید، درست مثل نگاهداشتن کودک در دالان دراز و تاریک و ملال‌آوری است که می‌دانید به باغ روشن و زیبای بزرگی می‌رسد، اما این دالان ممکن است برای همیشه کودک را از پا گذاشتن به آن باغ منصرف کند!

عادی‌کننده خشونت

متهم ردیف یک در این موضوع داستان‌های ترسناکی هستند که بر پایه صحنه‌ها و اتفاقات خشونت‌آمیز طراحی شده‌اند. البته داستان‌های ترسناک واقعاً خوبی هم داریم که خواندن آن‌ها از طریق هم‌ذات‌پنداری می‌تواند بی‌هیچ خطر واقعی برای کودک، تجربه مواجهه با موقعیت‌های بحرانی، شجاع بودن و یاری‌رسانی را فراهم کند، اما غالباً کتاب‌های ترسناک کتاب‌هایی بازاری هستند که ترس را می‌فروشند؛ ترسی بی‌دلیل و موهوم و غالباً آمیخته با خشونت.

از آن خطرناک‌تر، کتاب‌های به‌ظاهر بی‌گناه و رنگین و خوش‌ظاهری هستند که در میان داستان معمولی‌شان خشونت را امری روزمره و عادی جلوه می‌دهند. بیان ماجرای چوپانی که سگش را می‌زند یا پیرزنی که دم گربه‌اش را می‌چیند و امثال این کارها، هنگامی که در فضای داستان رفتاری معمولی تلقی می‌شود، عادی‌سازی خشونت است و به‌خصوص می‌تواند رفتارهای پرخاشگرانه و دگرآزارانه را تقویت کند.

تلقین و تثبیت‌کننده پیش‌فرض‌ها

این اسم‌ها را بخوانید و به اولین صفتی که به ذهنتان می‌آید توجه کنید: گرگ، خرس، روباه. معمولاً اولین صفتی که به ذهن ما می‌آید، این‌ها هستند: گرگ بدجنس، خرس شکمو، روباه مکار. گمان نمی‌کنم تعداد زیادی از ما با گرگ‌ها، خرس‌ها یا روباه‌ها از نزدیک برخورد کرده باشیم. پیش‌فرض‌های ما را داستان‌هایی ساخته‌اند که در کودکی خوانده‌ایم. اما این موضوع چه اهمیتی دارد؟

داشتن پیش‌فرض، ذهن ما را به قضاوت‌های شتابزده عادت می‌دهد. کودکی که ذهنش عادت کرده همه گرگ‌ها را بدجنس و همه روباه‌ها را مکار بداند، راحت‌تر در دام قضاوت علیه کسی

داستان‌های عامیانه و برانگیزندهٔ هنجارهای اجتماعی

اغلب قصه‌های عامیانه نه تنها برای سرگرمی، بلکه برای آموزش هنجارهای اجتماعی زمانهٔ خود به کودکان ساخته شده‌اند. این داستان‌ها شیرین و دوست‌داشتنی هستند و همچنان در میان کتاب‌های کودکان حضور پررنگی دارند. ولی نکتهٔ قابل تأمل اینجاست که طی زمان، برخی از این هنجارها تغییر کرده یا منسوخ شده‌اند اگرچه داستان‌ها هنوز تغییر نکرده‌اند. مثلاً خاله سوسکه داستانی برای آموزش هنجارهای زندگی خانوادگی به کودکان بوده است. به دختران می‌آموزد که همه مردان زن‌هایشان را کتک می‌زنند و آن‌ها بهتر است مردی را برای ازدواج انتخاب کنند که ملایم‌تر کتک بزند! به پسران نیز می‌آموزد که زنان مصرف کننده‌اند و تو باید آن‌ها را تأمین کنی و در عوض حق داری آن‌ها را کتک بزنی، اما زیاده‌روی نکن! خیلی از ما این داستان را از روی بازنویسی‌های متعدد آن برای کودکانمان خوانده‌ایم، در حالی که واقعاً و به شکل آگاهانه نمی‌خواهیم فرزندانمان را با چنین هنجارهایی بزرگ کنیم. پس در انتخاب داستان‌هایی از این دست، باید به هنجارهایی که به کودک آموزش می‌دهند، آگاه باشیم.

داستان‌های بازنویسی شده

ممکن است ما به فلان نویسندهٔ تازه اعتماد نکنیم یا نویسندگان جدید را کمتر بشناسیم یا بیسندیم. اما اسم بزرگانی چون سعدی، جامی و مولانا به راحتی می‌تواند ما را به خریدن بازنویسی‌های فراوان از آثار آن‌ها قانع کند. در این موارد، افزون بر آن که خطر افتادن به دام بازنویسی‌های پر اشتباه و بی کیفیت وجود دارد (که می‌تواند خواننده را برای تمام عمر از آثار بزرگ ادبیات فراری دهد)، انتخاب نامناسب داستان‌ها و نامتناسب بودن آن‌ها با ذهن و سن مخاطب خطرناک‌تر است.

این کتاب‌ها در اصل برای کودکان نوشته نشده‌اند، اغلب مضمون‌های آن‌ها برای کودکان مناسب نیست. داستان‌هایی که متضمن صحنه‌های اروتیک یا خشونت‌آمیز هستند و یا مناسبات ارباب - رعیتی و آقای - نوکری را عادی و پذیرفته شده نشان می‌دهند، متأسفانه در بازنویسی‌ها، با ظاهر کودکانه و تصویرهای کارتونی و رنگی، فراوان دیده می‌شوند. پس دیدن نام بزرگ فردوسی، جامی و نظامی بر جلد کتاب‌ها، به معنی مناسب بودن آن کتاب‌ها برای کودکان نیست.

در پایان نکتهٔ ظریفی باقی می‌ماند. اینکه اگر حتی کتاب فوق‌العاده‌ای را بدون در نظر گرفتن نیاز و پسند و علاقهٔ مخاطب انتخاب کنیم، او تجربهٔ مطالعهٔ موفق نخواهد داشت. پس حتی از میان کتاب‌های خوب هم ممکن است انتخاب‌های اشتباه صورت بگیرد و مخاطب را گریزان کند.

شکی نیست که آدمیزاد برای زندگی بهتر نیازمند دوستی با کتاب است، اما لطفاً مراقب این دوستان ناباب هم باشید!

می‌افتد که با او متفاوت است. برچسب زدن به گروهی از مردم، یکی از مصداق‌های همین موضوع است. اینکه مردم فلان شهر چنین‌اند یا عرب‌ها چنان‌اند و فارس‌ها چنین، شاید در دوران بی‌تنش صلح مشکل‌چندانی ایجاد نکند، اما در بزنگاه‌های تاریخی می‌تواند آتش جنگ‌های قومی، مذهبی یا نژادی را مشتعل کند. فردی که از کودکی تفاوت‌ها را شناخته و احترام به آن را آموخته باشد، به راحتی علیه گروه دیگر برانگیخته نخواهد شد.

تقسیم‌کنندهٔ جنسیت

کتاب‌هایی که در داستان یا بازی، توانایی خلق و رفتار خاصی را به یک جنس نسبت می‌دهند و دنیای کودکان را به دو بخش زنانه و مردانه تقسیم می‌کنند، معمولاً آسیب‌شخصیتی عمیقی به کودک خواهند زد. یادمان باشد که هر مردی در روانش نیمه‌ای زنانه دارد و هر زنی نیمه‌ای مردانه. کودکان، به خصوص پیش از سن بلوغ، نیازمند رشد یافتن هر دو نیمه هستند تا پسران در بزرگسالی به مردانی با توانایی مهر ورزیدن، مراقبت کردن و همدلی تبدیل شوند و توانایی درک زنان را نیز داشته باشند (که یکی از مهم‌ترین نکته‌های پایداری زندگی خانوادگی است) و زنان نیازمند رشد نیمهٔ مردانه‌ای هستند که آن‌ها را قادر می‌سازد افرادی مستقل و کارآمد و منطقی، با توانایی استدلال و تصمیم‌گیری باشند و نیز بتوانند با مردان تعاملی انسانی و سازنده داشته باشند. این گونه کتاب‌ها امکان درک و شناخت و پرورش نیمهٔ دیگر شخصیت و روان کودکان را از آن‌ها سلب می‌کنند.





من و مادر بزرگ مثل همیم

- من مادر مادر بزرگم بودم
- نوشته مزگان باغیوندی
- انتشارات پیدایش
- چاپ اول: ۱۳۹۶، ۷۰ صفحه

و مادر بزرگ رفتارهای مشابهی دارند که آن‌ها را به هم نزدیک می‌کند. نوشین مثل مادر بزرگ بیش‌تر شب‌ها رخت‌خوابش را خیس می‌کند. مثل او بستنی دوست دارد. هر دو دوست دارند کارتون ببینند. اهل شیطنت هستند و کافی است پدر و مادر چند دقیقه نوه و مادر بزرگ را به حال خود رها کنند، آن وقت شیطنت‌هایشان گل می‌کند و دردسر درست می‌کنند.

پدر و مادر که، به دلیل گرفتاری‌های کار و زندگی و بی‌پولی، معمولاً کم‌حوصله و خسته‌اند، دایم نوشین و مادر بزرگ را سرزنش می‌کنند. خط قرمزها و محدودیت‌هایی که پدر و مادر نوشین برای او و مادر بزرگش مقرر کرده‌اند زیاد غیرمنطقی و غیرمنصفانه است؛ بنابراین نوشین و مادر بزرگ، هر یک به روش خودشان، این شرایط سخت و ممنوعیت‌ها را دور می‌زنند.

نوشین که می‌داند شب‌اداری مادر بزرگ مادر را به خشم می‌آورد، پنهانی مادر بزرگ را به حمام می‌برد، لباس‌های خیس و بوگرفته‌ او را پنهان می‌کند و لباس تمیز به او می‌پوشاند. او دوست ندارد مادر بزرگش را ژولیده و کثیف و غمگین ببیند؛ بنابراین موهای او را شانه می‌کند و به موهایش ژل می‌زند. برای مادر بزرگ بستنی می‌گیرد و حتی هنگام خواب، برایش لالایی می‌خواند. برای همین هم مادر بزرگ، نوشین را «مادر» خطاب می‌کند. اما نوشین به این‌ها راضی نیست و دوست ندارد مادر بزرگ، او را مادر خودش بداند بلکه دوست دارد خودش نوه

نوشین هشت‌ساله است. پدر و مادرش شاغلند و بیش‌ازحد درگیر کار و زندگی. نوشین یک خواهر کوچک‌تر از خودش هم دارد. مادر بزرگ نوشین (مادر پدر) هم با آن‌ها زندگی می‌کند. مادر بزرگ بیمار است. اختلال حواس دارد و به همین دلیل و نیز به دلیل کهولت سن، رفتارش بی‌جگانه شده و اغلب سخنان بی‌ربط می‌گوید. علاوه بر اینکه اغلب شب‌ها رخت‌خوابش را خیس می‌کند!

به‌جز نوشین، هیچ‌کس حواسش به مادر بزرگ نیست و او را درک نمی‌کند. پدر و مادر نوشین برخوردهای خشن و تحقیرآمیزی با مادر بزرگ دارند. آن‌ها، هر دو، وقتی سرکار می‌روند و نوشین هم مدرسه است، پای مادر بزرگ را به تخت می‌بندند تا خیال‌شان راحت باشد که مادر بزرگ دست از پا خطا نمی‌کند و برای خودش و آن‌ها دردسر نمی‌تراشد. آن‌ها آن‌قدر سرشان شلوغ است که مادر بزرگ و نوه را درک نمی‌کنند. «مادر اصلاً وقت نگاه کردن به مادر بزرگ را ندارد (صفحه ۱۴)» نوشین اما مادر بزرگ را کاملاً درک می‌کند. در واقع خودش

باشد و او مادر بزرگ.

بالاخره یک روز طاق پدر و مادر تمام می‌شود. آن‌ها که مدت‌هاست از بهبود یافتن مادر بزرگ ناامید شده‌اند و نمی‌توانند برای شب‌اداری او کاری بکنند سعی می‌کنند مشکل شب‌اداری نوشین را حل کنند و او را نزد پزشک متخصص می‌برند. اما نوشین با زرنگی و هوش خود فرصتی به دست می‌آورد و ماجرای شب‌اداری و زخم مچ پاهای مادر بزرگ را به پزشک می‌گوید. پزشک راه‌حلی پیش پای نوشین می‌گذارد. اما این کار هم مؤثر نیست و اوضاع مادر بزرگ بدتر از آن است که به این روش‌های ساده پاسخ بدهد. کار به قدری خراب می‌شود که پدر و مادر ناچار می‌شوند مادر بزرگ را هم مثل خواهر کوچک‌تر نوشین پوشک کنند. اما مادر بزرگ این راه‌حل را هم نمی‌پذیرد و اجازه این کار را به آن‌ها نمی‌دهد.

در واقع، حل مشکل مادر بزرگ در دست پزشکان نیست. مادر بزرگ تشنه محبت و توجه است و این کار فقط از نوشین برمی‌آید که هم مهربان است، هم باهوش و هم اشتراکات بسیاری با مادر بزرگش دارد. سرانجام اوست که با محبت و توجه دلسوزانه خود موفق می‌شود. مادر بزرگ با محبت‌های نوشین کمی هوشیار می‌شود و بالاخره نوشین را به جای مادر نوه عزیزم خطاب می‌کند. تاحدودی رفتارش طبیعی می‌شود و هوش و حواسش برمی‌گردد. پدر و مادر هم تاحدودی متنبه می‌شوند و حتی مادر نوشین به خاطر رفتارهای بدش با مادر بزرگ از او حلالیت می‌گیرد. اما حیف که عمر این خوش‌بختی کوتاه است.



زندگی شهری و ماشینی و بلایی که بر سر انسان‌ها می‌آورد، جان‌مایه اصلی این داستان است. کما اینکه نویسنده در اشاراتی گذرا به خواننده می‌گوید که مادر بزرگ از اهالی یکی از شهرهای کوچک یا روستاهای شمال کشور بوده و بعد از فوت شوهرش «اسماعیل» به ناچار و خارج از اراده و خواست خود، نزد پسر و عروسش آمده و اکنون زندگی شهری و گرفتاری‌ها و ملالت‌های روزمره پسر و عروسش او را نیز اسیر زندگی خشک، ماشینی و پردردسر این شهر کرده است.

نویسنده اگرچه در این داستان از رفتارهای تقریباً غیرانسانی پدر و مادر نوشین با مادر بزرگ بیمار و آشفته‌ذهن انتقاد می‌کند، اما آن‌ها را به‌نوعی تبرئه هم می‌کند. چرا که این زن و شوهر خودشان هم قربانی این نوع زندگی هستند. گرفتاری‌های زندگی شهری و هزینه بالای یک زندگی متوسط در شهری بزرگ که خود دست‌خوش دود و ترافیک و هیاهو و سروصداست، از انسان‌ها موجوداتی مکانیکی و ماشینی می‌سازد که حتی فراموش می‌کنند آخرین بار چه زمانی به یک مهمانی خانوادگی رفته‌اند. بنابراین حواس‌شان به مادر بزرگ بیمار و حتی دختر خودشان هم نیست. زندگی در یک شهر شلوغ و پرهیاهو، با آداب و اصول خشک و بسیار رسمی، حتی فرصت

بازی کردن و لذت‌بردن از زندگی را از یک کودک گرفته است در حالی که اگر همین خانواده در زادگاه و وطن مادر بزرگ شکل گرفته بود، بسیاری از مشکلات فعلی را نداشتند. کما اینکه هر وقت مادر بزرگ - ناخودآگاه - وقایع پیش از مرگ همسرش و موطن اصلی‌اش را در ذهن مرور می‌کند، تا حدود زیادی هوشیار و سرحال می‌شود و ترانه‌ای را زمزمه می‌کند که زمانی شوهر مرحومش زمزمه می‌کرده است. نویسنده این مورد را به قدری هوشمندانه و هنرمندانه طراحی کرده و در داستان گنجانیده است که باید به او تبریک گفت. نویسنده فقط و فقط با دو - سه رفت‌وآمد و گذار نامحسوس به موطن مادر بزرگ و زندگی او در زمان حیات همسرش، پیام اصلی داستانش را القا می‌کند.

و اما این داستان، یک درون‌مایه مهم دیگر هم دارد؛ اینکه در تمام ناملایمات و گرفتاری‌های زندگی ماشینی و رسمی، آن‌چه به کمک انسان‌ها می‌آید و راه‌حل اصلی مشکلات است، مهربانی، محبت و توجه است. کما اینکه نوشین، دختر معصوم و باهوش، با روحی که بکر مانده و زندگی شهری کم‌ترین تأثیر منفی بر مهر و عاطفه‌اش نداشته، به تنهایی موفق می‌شود مادر و پدرش را مجاب کند که از رفتارهای ناپسند خود، به‌خصوص با مادر بزرگ، ابراز پشیمانی کنند.

این داستان با تمام نقاط قوت خود ضعف‌هایی هم دارد. اینکه داستان در مجموع برای مخاطب کودک، تلخ و تاحدودی سیاه است. این همه بدرفتاری پدر و مادر با کودک و مادر بزرگش ممکن است تصویری منفی از پدر و مادرها در ذهن کودک به‌جا گذارد. اصلاً همین بدبینی بیش از حد بچه‌ها به بزرگ‌ترها و پدر و مادرهایشان و چالش‌های نسل جدید با پدر و مادرها از مسایل مبتلابه این روزهاست.

دیگر اینکه نوشین هشت‌ساله‌ای که بسیار باهوش توصیف می‌شود و رفتارها و سخنانش بزرگ‌تر از سن و سال اوست و در نهایت منطقی بر منطق پدر و مادر غالب می‌شود، توسط مادرش حمام می‌شود. در حالی که معمولاً بچه‌ها، به‌خصوص دختر بچه‌ها از پنج - شش سالگی می‌توانند خودشان به‌تنهایی حمام کنند. در این مورد حتی نوشین آن‌قدر احساس بزرگی می‌کند که مادر بزرگش را هم به حمام می‌برد و سر و تنش را می‌شوید و حتی پس از حمام لباس‌هایش را هم می‌پوشاند (صفحه ۱۳). با این وصف در این مورد با اعتراضی از جانب نوشین مواجه نمی‌شویم که به زبان بیاید «خودم می‌توانم حمام کنم.» فقط در جایی با خودش می‌گوید من جیش کرده‌ام، ولی مامان به جای پاهایم، سرم را می‌شوید. (صفحه ۱۰) و این البته در عین حال می‌تواند مؤید این نکته باشد که مادر، همان‌طور که نوشین بارها می‌گوید، واقعاً حواسش به این کودک و نیازهای واقعی او نیست و در اولویت‌بندی نیازها و حمایت از کودک دچار اشتباه می‌شود: پای بچه کثیف شده، ولی مادر موهایی او را می‌شوید!

قصه‌گویی جهانی‌ترین تجربه انسانی

از مؤثرترین راه‌های بروز و ظهور ایده‌های نو و خلاق در کودکان، فراهم نمودن زمینه‌های مناسب برای رشد و تقویت تفکر خلاق و انتقادی در آنان، گذر از تکالیف ناکارآمد و حرکت به سوی تکالیف خلاق است. یکی از این زمینه‌ها که می‌تواند بسیاری از مهارت‌های زبانی و فرازبانی را تقویت کند طراحی تکالیفی در قالب قصه و داستان است. دانش‌آموزان دوره ابتدایی، نوزدهم امسال به جای انجام تکالیف تکراری و ملال‌آور، سال نو را با قصه‌گویی و قصه‌نویسی آغاز کردند؛ تجربه‌ای نو با هدفی ارزنده، تجربه‌ای که می‌تواند برای کودکانمان شناخت هر چه بیشتر فرهنگ، آیین، آداب و رسوم سرزمین کهن ایران را به همراه بیاورد.

کلیدواژه‌ها: قصه، قصه‌گویی، انواع قصه‌گویی، قصه‌نویسی، داستان مشارکتی

بودند، به فرزندان خود انتقال می‌دادند. قصه‌گویی انواعی دارد که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

قصه‌گویی نقلانه: نوعی از قصه‌گویی است که کارش خلق و یا اجرای حکایت‌های شفاهی منظوم است. قصه‌گو به نقل حوادث تاریخی یا ستایش نیاکان و رهبران کنونی یک گروه قبیله‌ای، فرهنگی و یا ملی می‌پردازد و معمولاً به هنگام اجرا با سازی که خودش یا دیگری می‌نوازد، همراه می‌شود.

قصه‌گویی قومی: این نوع قصه‌گویی، قابل اجرا در خانه، در ضمن کار گروهی، در گردهمایی اجتماعی، در خیابان‌ها و بازارهاست. قصه‌گویی در خانه، یکی از جهانی‌ترین تجربه‌های انسانی است.

قصه‌گویی تماشاخانه‌ای: آنچه این نوع قصه‌گویی را برجسته می‌سازد، این است که در بناهایی ویژه، مانند تئاتر یا تماشاخانه، به اجرا درمی‌آید. قصه‌گویی تماشاخانه‌ای را به سختی می‌توان از تئاتر به مفهوم حقیقی آن جدا دانست.

قصه‌گویی کتابخانه‌ای: در این نوع قصه‌گویی، کتابداران کتابخانه، در ساعات منظم و خاصی در کتابخانه برای کودکان قصه می‌گویند. تعیین دقیق اینکه کدام کتابدار کودک، نخست این اندیشه را مطرح کرده، غیرممکن است.

قصه‌گویی در اردو: یکی از بهترین مکان‌ها برای قصه‌گویی، مکان‌ها یا فضاهای اردویی است. غیررسمی بودن محیط و نزدیکی به طبیعت، از عواملی است که بر خلاقیت دوجانبه‌ای که در این نوع قصه‌گویی (میان قصه‌گو و شنونده) نهفته است، می‌افزاید و نتایج سودمندی به ارمغان می‌آورد.

ساده‌ترین روش‌های تقویت قصه‌گویی در کودکان

یکی از ساده‌ترین روش‌های قصه‌گویی بسط و گسترش حکایت‌هاست. شایسته است در آغاز راه به کودکان در انتخاب

هنر قصه‌گویی، جایگاه خاصی در پیشبرد برنامه‌های آموزشی دارد و تجربیات واقعی و عملی شایانی را در اختیار فراگیران می‌گذارد. تأثیر این هنر به حدی است که دانشمندان تربیتی در قرون جدید، از آن به‌عنوان روشی اساسی در آموزش و پرورش پیش‌دبستانی و حتی سال‌های اولیه دبستان یاد می‌کنند. براساس نظریه‌های جدید آموزش و پرورش، استفاده از وسایل توضیح و تشریح در تدریس، اهمیت بسیار و تأثیر قطعی دارد. داستان‌گویی به تثبیت و افزایش معلومات کودکان و نوجوانان یاری می‌رساند و از آنجایی که با طبیعت کودک نزدیکی دارد، موضوع و مطالب را جذاب و دوست‌داشتنی می‌کند و با تحریک امیال طبیعی آنان و عواطفشان، رغبت به یادگیری را در ایشان افزایش می‌دهد.

آموزش از طریق قصه‌گویی، مطالب را زنده، شوق‌انگیز و جذاب می‌سازد و به خاطر رابطه‌ای که بین قصه‌گو و شنونده ایجاد می‌شود آموزش با محبت و صمیمیت متقابل توأم می‌گردد.

قصه‌گویی، عبارت است از هنر یا مهارت نقل داستان به صورت شعر یا نثر که قصه‌گو آن را در برابر شنوندگان به صورت زنده اجرا می‌کند. داستان می‌تواند به صورت گفت‌وگو، ترانه، آواز همراه با موسیقی یا بدون آن، و با تصویر یا بدون تصویر باشد. ممکن است داستان از منابع شفاهی، چاپی یا ضبط مکانیکی اخذ شود و یکی از اهداف آن سرگرمی باشد. در روزگاران کهن، تاریخ، سنت‌ها، مذهب، آداب قهرمانی‌ها و غرور قومی به وسیله قصه‌گوها از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شد.

از نکات مهم در قصه و قصه‌گویی، نقش و تأثیر زنان در این زمینه است. مادرها، مادر بزرگ‌ها و دایه‌هایی که پاسداران حافظه جمعی و تاریخی قوم بودند، با قصه‌های خود ضمن سرگرم کردن کودکان، آنان را آموزش داده و تربیت می‌کردند و برای رویارویی با مخاطرات آینده آماده می‌ساختند. آنان تجربه‌های قومی را با قصه‌هایی که سینه به سینه آموخته

حکایت‌های کوتاه، روان و چندخطی کمک کنیم. آنان حکایت کوتاه را می‌خوانند و برداشت خود را به زبان ساده بیان می‌کنند و به حکایت جدیدی که خود خالق آن هستند، سر و شکل می‌دهند، به آن پر و بال می‌دهند، شخصیت‌های آنان را پررنگ‌تر می‌کنند، فضایی را که حکایت در آن اتفاق افتاده است تجسم می‌کنند و با توجه به خط فکری اصلی حکایت آن را پرورده می‌سازند. در صورتی که کودکان به حکایت خود علاقه‌مند شوند آن را برای مخاطبان متفاوت روایت می‌کنند و هر بار نکته‌ای بر آن می‌افزایند و توانایی خلق صحنه‌های جدید در آنان رشد می‌یابد.

یکی دیگر از روش‌های پرورش قصه‌گویی در کودکان استفاده از منابع غنی و ارزشمند ضرب‌المثل‌های ایرانی است. یادگیری ضرب‌المثل‌ها تأثیر شگرفی بر افزایش توان سخنوری و قدرت نویسندگی دارد. اگرچه اغلب ضرب‌المثل‌ها در ظاهر کوتاه‌اند و اغلب در حد یک عبارت یا یک بیت شعر بیش نیستند اما از معنا سرشارند و جهانی در پس خود دارند. از این جهت بهره‌گیری از آن‌ها شگردی دیگر در اثربخشی ذهن و زبان است. هدف این است که کودکان از دریچه چشم خود به ضرب‌المثل‌ها نگاه کنند و به بازآفرینی و بازسازی قصه‌ای نو از دل آن بپردازند.

قصه‌گویی و قصه‌نویسی بسیاری از اهداف دوره ابتدایی را محقق می‌کند. از جمله این اهداف می‌توان به کنجکاو ساختن کودکان نسبت به شناخت پدیده‌ها، تقویت مهارت شنیدن، هدفمند ساختن خواندن و نوشتن، افزایش توانایی بیان مقصود و نیز زمینه‌سازی برای آشنایی بیشتر با برخی از آثار معروف ادبی و شناخت بیشتر سنت‌ها، آداب و رسوم اقوام اشاره کرد. این اهداف در نهایت موجب هدایت صحیح کودکان در مسیر افزایش خودباوری و خودشکوفایی می‌گردد.

به منظور تقویت داستان‌خوانی، داستان‌گویی و داستان‌نویسی می‌توان از روش‌های دیگری، از جمله روش‌های زیر، بهره جست:

● داستان‌های مشارکتی

به منظور افزایش علاقه‌مندی کودکان پایه اول و دوم، که هنوز توانایی خواندن و نوشتن آنان کم است، می‌توان از داستان‌های مشارکتی بهره گرفت.

در این نوع داستان‌ها، پدر و مادر یا پدربزرگ و مادربزرگ و یا فرزندان بزرگ‌تر داستانی را آغاز می‌کنند و کودک که هنوز در پایه اول یا دوم است و به خواندن قصه به‌طور کامل مسلط نیست، ادامه داستان را روایت می‌کند.

● کتابخانه گویا

طرح «کتابخانه گویا» را می‌توان یک بار در سال و به صورت هدفمند در حیات مدرسه اجرا کرد. به این ترتیب که تعدادی دانش‌آموز داوطلب و علاقه‌مند توسط معلم انتخاب می‌شوند و در روزی مقرر (در ساعت تفریح) در محلی به نام «کتابخانه گویا» روی یک ردیف صندلی می‌نشینند. روی میزهایی که مقابل آنان است، کتاب‌هایی که آماده روایت شدن هستند قرار می‌گیرد. آن‌گاه دانش‌آموزان علاقه‌مند به شنیدن داستان، به‌صورت انفرادی یا گروهی، مقابل هر یک از کتاب‌هایی که به آن علاقه‌مند هستند قرار می‌گیرند و داستان مورد علاقه خود را می‌شنوند.

● کتابخانه مجازی

ایجاد امکان استفاده از کتابخانه‌های مجازی برای کودکان و انتخاب فایل شنیداری کتاب‌های منتخب یا برنامه‌های رادیویی و پخش این فایل‌ها در کلاس یا خارج از کلاس.

● دادن تکالیف نوشتاری به بچه‌ها با موضوعات گزارش دید و بازدید، سفر، فعالیت علمی، گردش علمی و آداب و رسوم مناطق مختلف و ...

● اهمیت دادن به نگارش خاطرات کودکان در قالب داستان و ...

● ایجاد فرصت‌هایی برای دانش‌آموزان برای تهیه مصاحبه و گزارش از نویسندگان، فیلم‌سازان و افراد مورد علاقه آنان.

● ارائه داستان مصور یا کمیک استریپ به کودکان به‌عنوان تکلیف؛ داستان مصور مجموعه‌ای از نقاشی‌های دنباله‌دار است که ماجرای را روایت می‌کند. این نوع داستان را معمولاً یک تیم دونفره، که یکی داستان را می‌نویسد و دیگری تصویرگری می‌کند، می‌سازند.

● اجرا و ضبط نمایشنامه توسط دانش‌آموزان.

منابع

۱. حجازی، بنفشه؛ ادبیات کودکان و نوجوانان، تهران، روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۴، چاپ هشتم.
۲. ناظمی، یحیی؛ ادبیات کودکان، تهران، چاپار، ۱۳۸۵، چاپ اول.
۳. اهداف مصوب دوره ابتدایی آموزش و پرورش.
۴. دنیای قصه‌گویی، ترجمه محمدابراهیم اقلیدی، پلوسکی، آن؛ تهران، سروش، ۱۳۶۴، ص ۲۳.
۵. راهنمای معلم نگارش، گروه مؤلفان، سال نهم، ۱۳۹۴.
۶. مجله ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، دوره ۴ بهار ۹۲، اثربخشی بازی و قصه‌گویی بر افزایش خلاقیت کودکان، ناهید رادبخش، محمدعلی محمدی‌فر، فرحناز کیان ارثی.
۷. دهستانی اردکانی، نرگس؛ نگاهی به نقش آموزشی قصه در برنامه درسی دوره ابتدایی، رشد آموزش ابتدایی، شماره ۸، اردیبهشت ۸۹.

خلاصه‌نویسی را به کودکان بیاموزیم

خلاصه، بیان مختصر و کوتاه نکات اصلی یک موضوع یا مطلب است. در بسیاری از کشورها مهارت خلاصه کردن، به‌عنوان بخشی از درس ادبیات، در سال‌های پایانی دوره ابتدایی به کودکان آموخته می‌شود. یاد گرفتن شیوه خلاصه‌سازی اهمیت بسیار دارد؛ زیرا به خواننده کمک می‌کند آنچه را خوانده است به خاطر بیاورد و دانسته‌ها و یافته‌های خود را به سادگی با دیگران در میان بگذارد. اگرچه دست یافتن به این مهارت ممکن است دشوار باشد، اما روش‌هایی وجود دارد که به والدین و معلمان کمک می‌کند خلاصه‌سازی را به شکلی مناسب به کودکان بیاموزند. در ادامه، مراحل آموزش خلاصه‌نویسی توضیح داده شده است.

کلیدواژه‌ها: خلاصه‌نویسی، موضوع کلیدی، عناصر داستان، ایده اصلی

گام اول: آموزش خلاصه‌سازی به شیوه صحبت کردن با کودکان درباره فعالیت‌های روزمره آن‌ها

۱. به کودکان در هر سنی کمک کنید که درباره روزی که گذرانده‌اند حرف بزنند. اجازه بدهید که مدتی طولانی و بی‌وقفه صحبت کنند و همه‌چیز را بگویند و شما فقط به آن‌ها گوش دهید. تعریف کردن یک قصه طولانی واقعی و حرف زدن درباره آن، زمینه را برای خلق خلاصه، به‌ویژه خلاصه داستانی، آماده می‌کند.

۲. به کودکان بیاموزید که روی یک واقعه خاص تمرکز کنند و پس از تمرکز بر آن رویداد، آن را بازگو نمایند. برای آسان‌تر کردن این بازگویی از کودک بخواهید بر شش محور اصلی متمرکز شود. این کار به او کمک خواهد کرد که مهم‌ترین بخش‌های یک ماجرا یا قصه را بردارد و آن را خلاصه کند.

● پس، بر این شش محور اصلی باید تمرکز کنند: چه کسی، چه چیزی، چه وقت، کجا، چگونه، و چرا. برای مثال، بچه‌ها را وادار کنید درباره امتحانی که داده‌اند

صحبت کنند؛ از جمله درباره اینکه معلم آن درس کیست، از چه موضوعی امتحان گرفته، چه زمانی امتحان گرفته، امتحان چه مدت طول کشیده است و چرا آن‌ها فکر می‌کنند که خوب امتحان داده‌اند یا بد.

البته در بعضی وقایعی که در زندگی ما پیش می‌آید، طرح این شش سؤال و پاسخ دادن به همه آن‌ها، به‌ویژه سؤال «چرا»، سخت است. پس، یادتان باشد که گاهی نمی‌توان به هر شش سؤال پاسخ داد.

گام دوم: توضیح دادن خلاصه‌نویسی با یک مثال برای

کودکان همه سنین

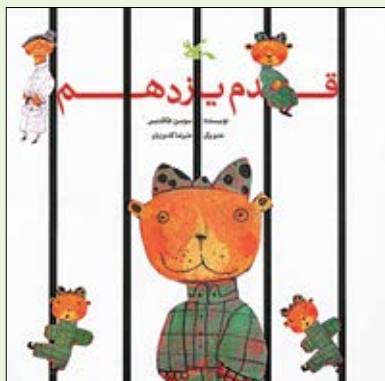
۱. قسمت کوتاهی از یک متن، یا یک داستان کوتاه را انتخاب کنید که چندان طولانی و از نظر اطلاعاتی متراکم نباشد. در این صورت، می‌توانید مفاهیم مورد نظر خود را با حداقل درگیری به کودکان آموزش دهید.

۲. متن یا داستان را به دقت بخوانید. به کودکان بیاموزید که

بیا یاد یک داستان را با هم خلاصه کنیم

مرحله اول: خواندن داستان

۱. داستان را به دقت بخوانید. یادتان باشد که خلاصه کردن داستان بدون خواندن دقیق آن، اگرچه غیرممکن نیست اما دشوار است. بنابراین کتابی را که خودتان برای خلاصه کردن انتخاب کرده‌اید یا قرار است، به‌عنوان تکلیف درسی، خلاصه کنید، بردارید و شروع به خواندن کنید. اگر به جای کتاب، داستان را به صورت صوتی در اختیار دارید، گوشی را در گوشتان بگذارید و با آی‌پاد یا تلفن همراه شنیدن داستان را شروع کنید. توجه: به بسیاری از خلاصه‌هایی که در سایت‌های اینترنتی گذاشته شده‌اند، نمی‌توانید اطمینان کنید؛ چون ممکن است دقیق و درست نباشند. همان‌طور که دارید قصه را می‌خوانید (یا می‌شنوید)، طرح یا نقشه آن را دنبال کنید. مثلاً در قصه «قدم یازدهم» طرح داستان این است که بچه شیری که در باغ وحش



ممکن است برای شما هم، پیش آمده که داستانی را خوانده و دوست داشته‌اید آن را خلاصه کنید؛ یا اینکه معلم در کلاس فارسی کتابی را به شما معرفی کرده و خواسته است که، به‌عنوان تکلیف، خلاصه آن را بنویسید، ولی شما نمی‌دانستید که چگونه باید این کار را انجام دهید. برای همین، از بزرگ‌ترها پرسیده‌اید یا با مراجعه به کتاب‌های راهنما و اینترنت، در این باره اطلاعاتی کسب کرده‌اید. به هر حال، اگر هنوز هم نمی‌دانید که چگونه باید یک کتاب را خلاصه کنید، این مقاله را بخوانید. در اینجا درباره اینکه خلاصه‌نویسی چیست و چگونه باید انجام گیرد اطلاعاتی کسب می‌کنید. در نوشتن این مقاله، ما از داستان «قدم یازدهم» نوشته خانم سوسن طاق‌دیس به‌عنوان نمونه عملی استفاده کرده‌ایم.

خلاصه، شکل مختصر و کوتاه یک متن مفصل با توجه به نکات اصلی و مهم آن است. مهارت خلاصه‌نویسی برخلاف ظاهر ساده‌اش یکی از مهارت‌های نوشتاری پیچیده است اما اگر منظور از آن را بدانید و مراحل آن را بیاموزید، انجام دادنش برایتان آسان خواهد شد؛ درست مثل آب خوردن. پس آماده باشید! می‌خواهیم مراحل خلاصه‌نویسی یک کتاب داستانی را با هم مرور کنیم.

زندگی می‌کند، در قفسش باز مانده است، اما چون قدم یازدهم را بر نمی‌دارد، نمی‌تواند از این موقعیت استفاده کند و از قفس بیرون برود و آزادی خود را به دست آورد!

یادتان باشد که این مرحله، اولین مرحله آماده شدن برای خلاصه‌نویسی است. پس اگر هنوز در مسیر داستان قرار نگرفته‌اید، با دقت بیشتری بخوانید (یا بشنوید) و به‌طور کامل بر کتاب تمرکز کنید. هیچ چیز نباید حواستان را پرت کند. در ادامه خواندن کتاب، بر داستان احاطه پیدا می‌کنید.

کل یک قطعه یا داستان را بی صدا یا با صدای بلند بخوانند. بعضی از بچه‌ها وقتی متن را بلند می‌خوانند آن را بهتر درک می‌کنند. در حالی که بعضی در صورت بی صدا خواندن بهتر می‌فهمند. بر خواندن دقیق متن تأکید کنید و به کودکان بگویید که از چیزی، نخوانده رد نشوند.

۳. توضیح دهید که خلاصه باید شامل چه اطلاعاتی باشد. اگر چند مفهوم و موضوع کلیدی و مهم متن را به کودکان معرفی کنید و بخواهید که آن‌ها را به خاطر بسپارند یا یادداشت کنند، خلاصه کردن برایشان آسان‌تر خواهد شد.

هنگام خواندن یک متن داستانی، با هدف خلاصه کردن، به عناصر و مؤلفه‌های مهم آن باید توجه کرد. این عناصر و مؤلفه‌ها عبارتند از:

الف. طرح یا پیرنگ؛ که چارچوب و نقشه داستان، با تکیه بر روابط علت و معلولی و پاسخی دقیق به این پرسش است که داستان درباره چیست.

ب. شروع: نقطه خروج داستان از حالت تعادل و توازن و ورود آن به موقعیت کشمکش و ناپایداری است. شروع داستان و فضای آن و نیز لحن نویسنده در این بخش، نقش مهمی در جذب خواننده به داستان دارد.

پ. کشمکش: طرح داستان از موقعیتی پایدار شروع می‌شود و با پیش آمدن کشمکش به حالت ناپایدار می‌رسد و به پیش می‌رود. این کشمکش در داستان ممکن است بین افراد انسان، انسان و طبیعت، انسان و جامعه، و انسان و خودش باشد.

ت. گسترش: کشمکش و ناپایداری باعث پیدایش سؤال‌هایی در داستان می‌شود که پاسخ دادن به آن‌ها، موجب می‌شود داستان گسترش یابد.

ث. تعلیق: وضعیتی که در آن خواننده با شخصیت‌ها همذات‌پنداری می‌کند و دلش می‌خواهد بداند برای آن‌ها چه اتفاقی می‌افتد اما قادر به پیش‌بینی دقیق ادامه ماجرا نیست. ت. نقطه اوج: جایی است که تنش داستان به اوج می‌رسد و بزرگ‌ترین چرخش‌ها در شخصیت‌ها یا ماجرای داستان پیش می‌آید.

ث. گره‌گشایی: در این بخش، گره‌های کور داستان باز می‌شوند و داستان به سطح تازه‌ای از تعادل می‌رسد.

ج. پایان: صحنه‌ای کوتاه پس از گره‌گشایی است که داستان در آن بسته می‌شود.

چ. شخصیت‌ها: افرادی که در داستان حضور دارند و در روند داستان تأثیر می‌گذارند.

ح. جزئیات صحنه (فضاسازی): شامل مکان و زمان وقوع رویدادهاست.

خ. پیام اصلی داستان: که از کلیت متن درک و دریافت می‌شود.

۴. به کودکان نشان دهید که ایده اصلی متن در کجاست. در داستانی که انتخاب کرده‌اید ایده اصلی را مشخص کنید و بگویید که این ایده معمولاً در کجا قرار دارد و چرا مهم است. (اغلب در نزدیکی نقطه آغاز داستان، در چند بند اولیه است اما در سراسر متن گسترش می‌یابد).

۵. به کودکان نشان دهید که جزئیات مهم در کجا هستند. همان‌طور که متن را می‌خوانید و پیش می‌روید، نمونه‌هایی را به آن‌ها نشان بدهید. توضیح دهید که چگونه این جزئیات در پیشبرد ایده اصلی اهمیت دارند. از آن‌ها بخواهید جزئیاتی را که مهم می‌دانند، بیان کنند و توضیح دهند که چرا بعضی جزئیات مهم‌ترند.

و می‌توانید همراه با طرح و نقشه داستان پیش بروید.

۲. یادداشت برداری.

هنگام خواندن کتاب، نکاتی را که مهم می‌دانید یادداشت کنید. از این یادداشت‌ها در خلاصه‌تان حتماً استفاده خواهید کرد. موقع نوشتن خلاصه، تصمیم می‌گیرید که بعضی از نکات فرعی و غیرلازمی را که یادداشت کرده‌اید، کنار بگذارید اما در این مرحله، همه نکاتی را که مهم به نظر می‌رسند، یادداشت کنید. در یادداشت‌هایتان به دنبال پاسخ دادن به این سؤال‌ها باشید: چه کسی؟ چه چیزی؟ چه وقت؟ چگونه؟ کجا و چرا؟! این سؤال‌ها اساس مطلبی است که قرار است در خلاصه بنویسید.

در یادداشت‌هایتان:

● شخصیت‌های اصلی را شناسایی کنید.

شما باید بدانید که داستان درباره چیست. کدام شخصیت‌ها اصلی و مهم‌اند و کدام‌ها در جریان داستان اهمیت چندانی ندارند. اگر تعداد شخصیت‌ها زیاد است، می‌توانید بسیاری از آن‌ها را که اهمیت کمتری دارند، از قلم بیندازید و در خلاصه هم درباره‌شان چیزی ننویسید.

برای مثال، در داستان «قدم یازدهم» شیر کوچولو، مادرش، و نگهبان باغ‌وحش سه شخصیت اصلی هستند که داستان را به پیش می‌برند، پس اگر هر کدام از آن‌ها نباشد، داستان دچار مشکل می‌شود و ادامه پیدا نمی‌کند. بنابراین نمی‌توانید، آن‌ها را حذف کنید. اما مردم، مأمورهای باغ‌وحش، گوینده رادیو، آن‌ها که از شیر خوششان می‌آمد، آن‌ها که از شیر بدشان می‌آمد و... شخصیت‌های فرعی این داستان هستند؛ یعنی نبودنشان در جریان داستان تغییر چندانی ایجاد نمی‌کند اگرچه بودنشان باعث رونق و گسترش داستان می‌شود. پس، لازم نیست در خلاصه درباره آن‌ها بنویسید، یا بهتر است فقط اشاره‌ای به آن‌ها داشته باشید.

● درباره فضای داستان بنویسید.

منظور از فضای داستان، زمان و مکانی است که حوادث در آن روی می‌دهند. اگر صحنه داستان شما جاهای مختلف باشد، کارتان دشوار می‌شود، اینجا نیز بهتر است محل‌های مهم را در خلاصه بیابید و غیر مهم‌ها را از قلم بیندازید یا به آن‌ها فقط اشاره کنید. در داستان «قدم یازدهم»، قصه در یک باغ‌وحش اتفاق می‌افتد؛ بنابراین، باغ‌وحش و قفس شیرها فضای اصلی داستان است.

● «کشمکش» داستان را بنویسید.

منظور از کشمکش، مشکل یا مشکلات اصلی است که شخصیت‌ها باید بر آن (یا آن‌ها) غلبه کنند. در بعضی داستان‌ها، کشمکش میان شخصیت‌هاست (کشمکش انسان با انسان)؛ در حالی که در بعضی دیگر، کشمکش انسان با طبیعت یا با جامعه و یا با خودش است. در داستان «قدم یازدهم» «کشمکش» از گم شدن شیر کوچولو به‌وجود می‌آید. پس، کشمکش اصلی، گم شدن شیر کوچولو و نگرانی همه از رفتن او به میان مردم و خطری است که مردم را تهدید می‌کند. در خلاصه هم کافی است به همین کشمکش اشاره کنید. کشمکش‌های فرعی داستان نیز میان شیر کوچولو و شرایط جدید او است، یعنی همین موقعیتی که شیر کوچولو با آن آشنا نیست، چون حالا دیگر در قفس و کنار مادرش نیست بلکه در فضای ناشناختی زیر بوته یاس خوابش برده است.

● حوادث اصلی را بنویسید.

مهم‌ترین بخش‌های هر داستان حوادث اصلی هستند. لازم نیست در خلاصه خود، همه کارهایی را که یک شخصیت، حتی شخصیت اصلی انجام می‌دهد، بنویسید بلکه باید به کارهای مهم که مشکل را افزایش می‌دهند و یا به حل و رفع آن کمک می‌کنند اشاره کنید. برای مثال، ضرورتی ندارد که در خلاصه داستان «قدم یازدهم» به همه کارهایی که شیر کوچولو یا مادرش



۶. متن را در یک یا دو جمله خلاصه کنید و با این کار، نمونه‌ای عملی از خلاصه‌سازی را در اختیار کودکان بگذارید. دادن یک نمونه، از اضطراب کودکان می‌کاهد و به آنان نشان می‌دهد که شما چه انتظاری از آنان دارید. به کودکان نشان دهید که چگونه در خلاصه‌سازی، ایده اصلی و جزئیات مهم با توصیفی مختصر به هم پیوند می‌خورند.

گام سوم: ارائه یک نمونه عملی خلاصه‌سازی به کودکان مدرسه‌ای

۱. به کودکان بیاموزید که یک قطعه یا عبارت را در یک بند خلاصه کنند.

آن‌ها ابتدا باید بتوانند با استفاده از شش سؤال اصلی، مشخص کنند که در یک متن گفتاری یا نوشتاری چه حقایق و اطلاعاتی اهمیت دارند. پس از آن، می‌توانند خلاصه‌سازی بخشی از یک کتاب یا نوشته و یا یک داستان کوتاه را تمرین کنند. تمرین حتماً باید روی یک متن کوتاه صورت گیرد؛ چون خواندن و استخراج اطلاعات مهم از آن آسان‌تر است.

در صورت موفقیت در این تمرین، کودکان با تلاش بیشتر موفق به خلاصه‌سازی متن‌های طولانی‌تر خواهند شد.

۲. به کودکان نشان دهید که ایده اصلی را چگونه پیدا کنند. در آثار ادبی، کل متن حاوی یک ایده مرکزی و اصلی و هر بند (پاراگراف) نیز دربردارنده یک ایده اصلی است. این ایده، اغلب در جمله اول یا جمله موضوعی قرار دارد اما می‌تواند در هر جای بند هم باشد. اگر بچه‌ها بتوانند ایده اصلی هر بند را پیدا کنند، دنبال کردن ایده اصلی داستان برایشان بسیار آسان خواهد شد.

۳. برای بچه‌ها، درباره اهمیت جزئیاتی که ایده اصلی را حمایت می‌کنند توضیح دهید. در کنار جمله اول یا جمله موضوعی، که ایده اصلی در آن قرار گرفته است، بقیه جمله‌های یک بند کمابیش حمایت‌کننده ایده اصلی هستند. البته همه جزئیات حاوی اطلاعات اصلی نیستند و بنابراین، فقط از بعضی از آن‌ها در خلاصه استفاده می‌شود.

از کودکان بخواهید که متن را با دقت بخوانند و به دنبال جزئیاتی بگردند که به کمک آن‌ها می‌توانند به شش سؤال اصلی پاسخ دهند.

● برای مثال، اگر متن درباره رویدادی تاریخی است، باید جست‌وجو کنند که آن رویداد چه وقت، کجا، به وسیله چه کسی، چرا و... پیش آمده است.

۴. کودکان می‌توانند از اطلاعاتی که متن به آن‌ها می‌دهد، یادداشت بردارند.

گام چهارم: تهیه یک خلاصه نوشتاری همراه با کودکان

۱. از کودکان بخواهید که بند خلاصه خود را با یک جمله موضوعی (حاوی ایده اصلی) شروع کنند. وقتی کودک از همه جزئیات مهم یادداشت برداشته باشد و آن‌ها را می‌داند، لازم است به او کمک کنید تا خلاصه‌اش را بنویسد. یافته‌ها و اطلاعات او باید به هم پیوند بخورند و به کمک عناصر زبانی، در قالب یک بند خلاصه کوتاه و بامفهوم قرار گیرند.

۲. به کودکان کمک کنید که جمله‌های سازنده بدنه خلاصه را به کمک جزئیات پشتیبانی‌کننده شکل دهند. آن‌ها را راهنمایی کنید که بعضی از جزئیات را که حاوی اطلاعات مهمی هستند، به

هر روز انجام می‌دهند یا همه کارهایی که مردم یا مأموران باغ‌وحش پس از گم شدن شیر کوچولو انجام می‌دهند اشاره کنید، اما نوشتن درباره اینکه چه شد که شیر کوچولو گم شد یا شیر کوچولو در بیرون از قفس چه کرد، لازم است. نتیجه را بنویسید.

نتیجه، حادثه‌ای بزرگ است که اغلب، کشمکش یا مشکل اصلی داستان را فیصله می‌دهد و مشکلات را حل می‌کند. در داستان «قدم یازدهم» برگشتن شیر کوچولو به قفس، پایان و نتیجه داستان است و باعث حل همه مشکلات او می‌شود (گره‌گشایی). بازگشت شیر کوچولو در واقع، گره کور داستان را باز می‌کند؛ آن هم زمانی که نگرانی مردم به اوج رسیده است و همه در حال تلاش برای پیدا کردن شیر کوچولو هستند (وج داستان). اگر در داستانی که خلاصه می‌کنید گفت‌وگو زیاد است، لازم نیست در خلاصه آن همه گفت‌وگوها را بیاورید.

مرحله دوم: نوشتن خلاصه

۱. یادداشت‌هایتان را سروسامان بدهید.

اگر از همه آنچه که گفتیم یادداشت برداشته‌اید، حالا برای خلاصه‌نویسی آماده‌اید. پس یادداشت‌هایتان را براساس وقایعی که به ترتیب در داستان رخ داده است سازماندهی کنید. توجه داشته باشید که داستان از کجا شروع و در کجا تمام می‌شود و شخصیت‌های اصلی چگونه از اول داستان به آخر آن می‌رسند.

۲. خلاصه را بنویسید.

حالا که همه یادداشت‌هایتان را با ترتیب مناسب مرتب کرده‌اید، نوشتن خلاصه آسان است. داستان‌های کوتاهی مثل «قدم یازدهم» را در یک بند (پاراگراف) خلاصه کنید و در آن به شش سؤال مهمی که قبلاً به آن‌ها اشاره کرده‌ایم، پاسخ دهید. البته پاسخ مناسب آن‌ها را هم قبلاً در

یادداشت‌هایتان فراهم کرده‌اید. در همین بند کوتاه:

- نخست، کتاب را معرفی کنید؛ نام کتاب، نویسنده، سال نشر و نام ناشر را بیاورید.
- اگر داستان جایزه خاصی برده یا پرفروش بوده است، آن را مطرح کنید. مثلاً «قدم یازدهم» در سال ۱۳۸۴ برنده جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران شده است.
- خلاصه داستان را به دقت بنویسید. یادتان باشد که پاسخ آن شش سؤال اصلی را باید در آن بیاورید. البته، به سؤال «چرا» بعضی وقت‌ها پاسخی داده نمی‌شود.
- خلاصه را می‌توانید به زمان حال یا گذشته بنویسید. فرقی نمی‌کند که زمان قصه حال است یا گذشته؛ فقط هر زمانی را که انتخاب می‌کنید، در سراسر خلاصه آن را رعایت کنید.
- اگر شخصیت اصلی اول شخص مفرد (من) است و قصه از زبان او نقل می‌شود، هنگام خلاصه‌نویسی «من» را به «او» تغییر دهید؛ مثلاً اگر در داستان آمده است: «من آن روز دیر به مدرسه رسیده بودم؛ برای همین می‌ترسیدم مدیر سر برسد و موقع رفتن به کلاس، مرا ببیند.» شما بنویسید: این چند جمله را این‌طور تغییر بدهید: «او آن روز دیر به مدرسه رسیده بود؛ برای همین، می‌ترسید مدیر سر برسد و موقع رفتن به کلاس او را ببیند.»
- «آن روز دیر به مدرسه رسیده بود و می‌ترسید مدیر موقع رفتن به کلاس او را ببیند.»
- حجم خلاصه شما تا حدودی به حجم داستانی که آن را خلاصه می‌کنید، بستگی دارد. البته گفته‌اند که خلاصه می‌تواند یک چهارم (¼) متن اصلی باشد، اما آن را کوتاه‌تر هم می‌توانید بنویسید. بهتر است داستان‌های کوتاه را در یک بند و داستان‌های بلند و رمان‌ها را در چند بند خلاصه کنید.

● قضاوت و داوری خود را وارد خلاصه نکنید. مثلاً اگر در متن از یکی از شخصیت‌ها خوشتان نمی‌آید، درباره او بد ننویسید. به رأی و نظر نویسنده احترام بگذارید و از دریچه چشم او داستان را خلاصه کنید.

زبان خود توضیح دهند و در متن خلاصه بگنجانند. جمله‌هایی را هم که به شش سؤال پیشین جواب می‌دهند در خلاصه بیاورند.

● مهم است که جمله‌ها در خلاصه تا حد امکان کوتاه و فشرده و دقیق باشند.

۱. به کودکان بگویید که بند خلاصه را بازخوانی کنند. وقتی نوشتن خلاصه تمام می‌شود، باید آن را بخوانند تا مطمئن شوند که متن از اول تا آخر خوب پیش رفته است. آن‌ها همچنین باید خلاصه را با متن اصلی مقایسه کنند و مطمئن شوند که نکات اصلی به شیوه‌ای فشرده در متن خلاصه آمده است.

● اگر خلاصه‌نویسی تکلیف مدرسه بچه‌هاست و با هدف گرفتن نمره صورت می‌گیرد، مهم است که در آن از جمله‌های دستوری صحیح، علائم سجاوندی بجا و کلمه‌هایی با املائی درست استفاده شده باشد. البته اگر از خلاصه فقط به‌عنوان راهنمای شخصی هم استفاده می‌شود، تأکید بر دستور زبان صحیح مناسب و املائی درست و نشانه‌گذاری بجا که خواندن و فهمیدن خلاصه را آسان‌تر می‌کند، لازم است.

۴. از کودکان بخواهید که خلاصه‌نویسی را هر روز تمرین کنند. از آنجا که اولین خلاصه‌نویسی‌های کودکان ممکن است خیلی ضعیف و سراسری باشد، به آن‌ها درباره کیفیت نوشته‌هایشان بازخورد بدهید و به ویژه، بگویید که دفعه بعد چه موردی را باید در نوشته خود بهبود بخشند. این امر نه فقط در این شکل از نوشتن به آن‌ها کمک می‌کند بلکه آنان را برای موفقیت در نوشتن متن‌های دشوارتر بعدی آماده می‌سازد.

حجم خلاصه تابع حجم متنی است که قرار است خلاصه شود. گفته می‌شود که متن‌های کوتاه، به ویژه کتاب‌های کودک و

نوجوان را در یک بند و کتاب‌های طولانی‌تر (برای مثال رمان) را در چند بند می‌توان خلاصه کرد. البته بعضی هم می‌گویند که حجم خلاصه می‌تواند یک چهارم ($\frac{1}{4}$) متن اصلی باشد.

لازم است کودکان و نوجوانان خلاصه‌های خود را به زبان معیار رسمی که در مدرسه آموزش داده می‌شود، بنویسند. آن‌ها ضمن به‌کارگیری این زبان، خلاصه را طبق روایت و لحن خود می‌نویسند. پس، لازم نیست در نوشته‌شان مطالب را به‌طور مستقیم از زبان نویسنده نقل کنند. استفاده مکرر از زبان و منطق خود در هنگام نوشتن خلاصه، توانایی منطقی خلاصه‌نویس را در نوشتن و استدلال کردن افزایش می‌دهد. در عین حال، خواندن متن او را برای دیگران آسان‌تر می‌کند. گاهی پیش می‌آید که بچه‌ها جمله‌ای از متن اصلی را دوست دارند و دلشان می‌خواهد آن را به‌طور مستقیم در خلاصه خود بیاورند؛ در این صورت: ۱. نباید زیاد از چنین جمله‌هایی استفاده کنند و ۲. گفته‌های نویسنده را در گیومه بیاورند؛ یک گیومه در ابتدای گفته نویسنده و یک گیومه در انتهای آن!

مهارت خلاصه‌نویسی کودک را قادر می‌سازد که اطلاعات مورد نیازش را به خاطر بسپارد، مفاهیم اصلی و کلیدی متونی را که می‌خواند، درک کند، به ارتباط میان عناصر و مؤلفه‌های متن پی ببرد و هنگام نوشتن، این ارتباط را در متن خود برقرار سازد. همچنین در شناخت اشتباهات نگارشی و خطاهای املائی و منطقی خود توانا شود و در نهایت، با مدیریت مناسب، متن بلندی را در عباراتی اندک جای دهد و حفظ کند. به علاوه، دانش‌آموز باید ضرورت تعامل با دیگران و قدر نهادن به نظرات آنان را بیاموزد و تمرین کند که چگونه از این نظرات برای هر چه بهتر کردن نوشته‌اش بهره‌مند شود.

● در سراسر نوشته خود رعایت نکاتی، از جمله ارتباط جمله‌ها با هم، پرهیز از درازگویی، تمرکز بر موضوع و نکته‌های اصلی، و خودداری از بیان جزئیات غیرمهم و فرعی را در نظر داشته باشید.

در اینجا خلاصه داستان «قدم یازدهم» را با هم می‌خوانیم.

خلاصه کتاب «قدم یازدهم»

کتاب «قدم یازدهم» نوشته سوسن طافدیس در سال ۱۳۸۴ منتشر شده و ناشر آن کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است. این کتاب در همان سال انتشار موفق به دریافت جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران شده است. کتاب، داستان زندگی بچه شیری است که با مادرش در یک باغ‌وحش زندگی می‌کند. او در قفس به دنیا آمده و همان‌جا در کنار مادرش رشد می‌کند و بزرگ می‌شود. طول قفس برای شیر کوچولو فقط ده قدم است؛ بنابراین، او پس از این ده قدم به انتهای قفس می‌رسد.

یک روز اتفاق جالبی می‌افتد. نگهبان یادش می‌رود در قفس را ببندد و شیر کوچولو، هنگام قدم زدن، از قفس بیرون می‌رود، اما چون در قفس هر بار فقط ده قدم برداشته و به میله‌های قفس رسیده است، فکر می‌کند حالا هم اگر قدم یازدهم را بردارد، سرش به میله‌های قفس می‌خورد و درد می‌گیرد. او نمی‌داند که اگر قدم یازدهم را بردارد می‌تواند آزاد شود و برود. شیر کوچولو در بیرون قفس، زیر درخت یاس خوابش می‌برد. نگهبان وقتی متوجه می‌شود که شیر کوچولو در قفس نیست، فوراً همه را خبر می‌کند. رادیو اعلام می‌کند که شیری از قفس گریخته و خطرناک است. عده‌ای از شنیدن این خبر خوشحال و عده‌ای ناراحت می‌شوند و دنبال شیر کوچولو می‌گردند اما نمی‌توانند او را پیدا کنند. سرانجام، وقتی نگهبان غذای شیرها را به قفسشان می‌آورد، شیر کوچولو که بوی غذا را شنیده است، ده قدم می‌دود و می‌پرد کنار

ظرف غذا و شروع به خوردن می‌کند. همه خوشحال می‌شوند و به یکدیگر خبر می‌دهند که شیر کوچولو به قفس برگشته است.

مرحله سوم: بازنگری و ویرایش

در این مرحله، خلاصه‌ای را که نوشته‌اید، به دقت بخوانید و خطاهای دستوری، نقطه‌گذاری و غلط‌های املائی را که ممکن است در نوشته‌تان باشد اصلاح کنید. مطمئن شوید که رویدادها با ترتیب درست و مناسب آمده‌اند و شخصیت‌ها درست معرفی شده‌اند. کنترل کنید که نام محل‌ها و شخصیت‌ها درست و با تلفظ صحیح ثبت شده باشد. نکات تکراری، اسامی، ضمیرها و فعل‌های اضافه را حذف کنید. جمله‌های بلند را هم بشکنید و به‌صورت چند جمله کوتاه بنویسید. یادتان باشد که خلاصه حتماً باید روشن و شفاف و بدون ابهام باشد؛ به طوری که هر کس بتواند به راحتی آن را بخواند و بفهمد. پس، اگر ابهامی در متن می‌بینید، آن را از بین ببرید.

● بهتر است خلاصه‌تان را به یک دوست یا یکی از اعضای خانواده‌تان بدهید تا اگر غلطی از چشم شما افتاده است، آن را اصلاح و تصحیح کند.

● نام خود و معلمان را روی خلاصه بنویسید. (بالای برگه، سمت راست یا زیر خلاصه).
● اگر خلاصه‌تان را تایپ کرده‌اید، از آن یک کپی خوانا و تمیز بگیرید. در غیر این صورت، با خط خوش و خوانا، آن را پاک‌نویس کنید. خلاصه‌هایی را که می‌نویسید، در یک پوشه قرار بدهید و نگه دارید. مطمئن باشید که روزی به دردتان می‌خورد؛ زمانی که به سختی سعی می‌کنید قصه‌ای را به یاد بیاورید و نمی‌توانید! آن وقت به سراغ پوشه‌تان می‌روید و لذت خواندن یک کتاب کامل را می‌برید!

منابع

۱. دیکسون، فرانک. ای و اسمیت، ساندرا. (۱۳۹۲). حرفه داستان‌نویس. جلد ۲ و ۳. نشر زویش.
۲. مستور، مصطفی. (۱۳۷۹). مبانی داستان کوتاه. نشر مرکز.